

انقلاب یورش جدید ضد انقلاب را برای انحراف شعار «مرگ بر آمریکا» بازهم خنثی کرد



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۴۴
شبه ۲۵ بهمن ۱۳۵۹، مطابق با
۸ ربیع الثانی ۱۴۰۱ - بها: ۱۵ ریال

آقای بنی صدر! اتهام زنی شایسته رئیس جمهور نیست

آقای بنی صدر در سخنانی که بمناسبت دومین سالگرد انقلاب در میدان آزادی ایراد کرد، متأسفانه در همان چارچوبی که تاکنون نویسندگان روزنامه «انقلاب اسلامی» متعلق به رئیس جمهور، به حزب توده ایران تاخته اند، به حزب ما تاخت آوردند.
انتظار مردم آن بود که، در شرایطی که امپریالیسم هار و غدار آمریکا، پشت دروازه های ایران کین کرده، تا برای بلعیدن نظام جمهوری اسلامی و روی کار آوردن دولتی «میانرود» «معتدل» و «واقعی» که بتواند «طرف مذاکره» با آمریکا باشد، لطمات مناسب را دریابد، رئیس جمهور جمهوری اسلامی ایران، از توطئه های امپریالیسم آمریکا - دشمن اصلی ایران - که مستقیماً علیه استقلال و آزادی و موجودیت نظام جمهوری اسلامی متوجه است، برنده در دروازه دستاوردهای درخشان انقلاب را بقیه در صفحه ۷

امپریالیسم آمریکا، ضد انقلاب، لیبرال ها و مانوئیست های آمریکائی می کوشند که این شعار را تحریف و یا مخدوش کنند

امپریالیسم آمریکا، لیبرال ها و مانوئیست های آمریکائی می کوشند که این شعار را تحریف و یا مخدوش کنند. این بار دیگر خطر آمریکارا در جهان، بخصوص منطقه و ایران گوشه زده می کند. امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، با طرح این مسئله در پیام دومین سالگرد پیروزی انقلاب، بار دیگر خطر دشمن اصلی را به عنوان نشان دادند و اعلام کردند که خطر آمریکا نه تنها ایران، نه تنها منطقه، بلکه جهان را تهدید می کند.
این تاکید مکرر امام خمینی برخطر دشمن اصلی خلق های ایران و جهان، که با فریاد یورش «مرگ بر آمریکا» در سراسر ایران در جشن بزرگ دومین سالگرد انقلاب پیوند خورده، بار دیگر نشان داد که برغم یورش تازه امپریالیسم آمریکا، ضد انقلاب، لیبرالها و مانوئیستهای آمریکائی برای انحراف شعار

همین بار دیگر خطر آمریکارا در جهان، بخصوص منطقه و ایران گوشه زده می کند. امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، با طرح این مسئله در پیام دومین سالگرد پیروزی انقلاب، بار دیگر خطر دشمن اصلی را به عنوان نشان دادند و اعلام کردند که خطر آمریکا نه تنها ایران، نه تنها منطقه، بلکه جهان را تهدید می کند.
این تاکید مکرر امام خمینی برخطر دشمن اصلی خلق های ایران و جهان، که با فریاد یورش «مرگ بر آمریکا» در سراسر ایران در جشن بزرگ دومین سالگرد انقلاب پیوند خورده، بار دیگر نشان داد که برغم یورش تازه امپریالیسم آمریکا، ضد انقلاب، لیبرالها و مانوئیستهای آمریکائی برای انحراف شعار

دوستان انقلاب ایران کیانند؟

* کویا، بلغارستان، یمن دمکراتیک و سازمان آزادیبخش فلسطین بار دیگر پشتیبانی خود را از انقلاب ایران اعلام داشتند.

نماینده کمیته مرکزی جمهوری دمکراتیک خلق یمن، با آذی بهزاد نبوی وزیر مشاور و رئیس هیات نمایندگی ایران، دیدار و گفتگو کرد. در این ملاقات، سالم صالح محمد، ضمن اشاره به تاسفهای مجدد با ایران، آمادگی کشور متبوع خود را برای گسترش روابط دیپلماتیک با ایران مطرح و اعلام کرد جمهوری دمکراتیک خلق یمن، بتواند یک عضو جبهه پایداری، انقلاب ایران را از ابتدا حمایت کرده است.
(جمهوری اسلامی، ۲۳ بهمن ۱۳۵۹)

کویا
وزیر امور خارجه کویا نیز به دیدار هیات نمایندگی ایران آمد و با مهندس نبوی سرپرست هیات و محمد هاشمی معاون نخست وزیر، بیرامون جنگ عراق با ایران، درباره موضوعات مربوط به کنفرانس غیرتمسدها بحث و تبادل نظر کرد.
وزیر امور خارجه کویا در این ملاقات حمایت کشورش را از انقلاب اسلامی ایران به هیات ایرانی شرکت کننده در کنفرانس اعلام داشت.
(جمهوری اسلامی، ۲۳ بهمن ۱۳۵۹)

سازمان آزادیبخش فلسطین
«فروق قدومی» نماینده سازمان آزادیبخش فلسطین با سرپرست هیات نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در کنفرانس غیرتمسدها در دهلنو دیدار کرد. فروق قدومی در این دیدار پشتیبانی سازمان آزادیبخش فلسطین را از جمهوری اسلامی ایران اعلام و از پیام امام خمینی منبر پایداری آزادی فلسطین و یمنی انقلاب ایران، تقدیراتی کرد.
(جمهوری اسلامی، ۲۳ بهمن ۱۳۵۹)
اعلام پشتیبانی کشورهای انقلابی و ضد امپریالیست از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران همچنان ادامه دارد.

پیرو فرمان امام خمینی به شورای عالی تبلیغات اسلامی و برای معرفی انقلاب ایران به مردم جهان، ۲۰ هیات نمایندگی در آستانه دومین سالگرد انقلاب ایران، عازم ۳۰ کشور جهان شدند، تا از انقلاب و دستاوردهای آن دفاع و توطئه های دشمنان سوگندخورده آنرا افشا کنند.
اخیر رسیده از ملاقاتهای هیاتهای نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور یاد می کنیم: یورش هیات دوستان انقلاب ایران را که به نام می نمایانند و نشان می دهند که علیرغم تلاش لیبرالها، که می کوشند انقلاب ایران را منزوی سازند، انقلاب ایران نه تنها در میان نیروهای ضد امپریالیست و مردمی جهان منزوی نیست، بلکه مورد پشتیبانی بیکیفر و صادقانه آنهاست.

بلغارستان
«هیئت نمایندگی جمهوری اسلامی ایران که برای تشریح مواضع کشورمان به بلغارستان رفته اند، ضیح ۱۹ بهمن ماه با معاون نخست وزیر و شخصیت های سیاسی و بازرگانی خارجی بلغارستان دیدار و گفتگو کردند. در ابتدای این ملاقات گئورگی یاردانوف، معاون نخست وزیر بلغارستان، تاریخچه مختصری از جمهوری بلغارستان و انقلاب سوسیالیستی آنرا، بر شرف و حمایت مردم بلغارستان را از انقلاب اسلامی ایران، اعلام داشت.

(جمهوری اسلامی، ۲۱ بهمن ۵۹، نقل از خبرگزاری پارس)
جمهوری دمکراتیک خلق یمن
صالح ۸ باعداد سه شنبه (۲۱ بهمن ماه)، قبل از شروع کنفرانس عدم تمسده، آذی سالم صالح محمد، وزیر امور خارجه و رئیس هیات

یورش خود را از سازمان مجاهدین خلق، تکرار می کنیم

«مجاهدین خلق» در شماره ۱۰۸ خود، بخش اول مصاحبه مسعود رجوی، از رهبران سازمان مجاهدین خلق ایران را منتشر ساخته است. چنانکه از این مصاحبه برمی آید، مسعود رجوی به پاسخ دربار سازمان مجاهدین خلق ایران، مسائل روز در داخه است. بنظر ما، اکنون فرصت مناسبی است که سازمان مجاهدین خلق ایران، به سرش حزب ما، که در گفتگوی کمیته مرکزی حزب توده ایران با سازمان مجاهدین خلق ایران، مطرح شده و در نامه «مردم» مورخ ۸ بهمن ۵۹ تکرار شده، نیز پاسخ دهد. پرسش چنین است:

عناصر تشکیل دهنده «جبهه متحد نیروهای انقلابی» کیستند؟ اهمیت پاسخ به این سؤال، نه فقط در اینست که افکار عمومی مردم ایران - که با نظر سازمان مجاهدین خلق ایران درباره عناصر تشکیل دهنده «جبهه متحد» ارتجاع آشنا شده اند - نظر سازمان مجاهدین خلق ایران را درباره عناصر تشکیل دهنده «جبهه متحد» نیروهای انقلابی، خواهند دانست و قضاوت خواهند کرد که واقعا چه کسی انقلاب را چه کسی ارتجاعی است، بلکه برای خود سازمان مجاهدین خلق ایران و هواداران آن و مردم ایران روشن خواهد شد که «مجاهدین خلق» در صحنه سیاست ایران در کنار چه نیروهایی قرار دارند.

اتحاد شوروی پشتیبان صدیق انقلاب ایران

«رادیو مسکو» در برنامه فدرسی روز ۲۰ بهمن ۵۹ خوسلسله گفتار هایش را درباره مناسبات میان اتحاد شوروی و ایران در دوران پس از کنفرانس بیست و پنجم آغاز کرد.
در نخستین گفتار «رادیو مسکو» پس از یادآوری جنایات رژیم وابسته و مستبد محمد رضا از جمله گفته شد:
«مطبوعات و رادیوهای شوروی یوست از سیاست ضد مردمی رژیم شاه، نسیه های امپریالیسم علیه ایران و فعالیت های «اتصارات آمریکائی» در ایران پند برمی داشتند.

مفسر رادیو مسکو افزود: «روزنامه «پراودا»، ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، بیش از سه ماه پیش از پیروزی انقلاب، در تاریخ سوم نوامبر ۱۹۷۸ (۱۳ آبان ۱۳۵۷)، در مقاله ای در مقام دفاع از مبارزان و مین دوستان انقلابی ایران برخاست. «پراودا» در مقاله ای زیر عنوان «ایران روزهای متسج» سرکوب و حسیاه شرکت کنندگان

در عملیات ۳ روز گذشته: چند نقطه استراتژیک در غرب کشور به تصرف رزمندگان انقلاب درآمد

* استاندار ایلام: کلیه ارتقاعات استراتژیک و مهم منطقه در نوار مرزی ایلام در تصرف رزمندگان انقلاب است.
رزمندگان جمهوری اسلامی ایران در طول ۳ روز گذشته در تمام جبهه ها، ضربات سنگینی را بر تجاوزگران صدامی وارد آوردند و چند نقطه استراتژیک را در جبهه های غرب، به تصرف خود در آوردند. گزارش خبرگزاری پارس حاکیست که یک گروه رزمی یکی از جبهه های غرب کشور در رویارویی با مهاجمین، ۸۴ تن از نیروهای دشمن را اسیر کرد و ۱۱ تانک آنان را به غنیمت گرفت. یکی از خلبانان هواپرواز جمهوری اسلامی ایران، در مصاحبه ای با خبرگزاری پارس، در این مورد گفت: «ما در عملیات این جبهه لشکر

آمریکا از این کشور طرد شده است

* حجت الاسلام رفسنجانی: دشمن با کوچک نشان دادن دستاوردهای انقلاب می خواهد روح یاس در یمن زخمی بوجود آورد.
مراسم نماز جمعه، این هفته بمناسبت دومین سالگرد پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران در بهشت زهرا، آرامگاه دهها هزار شهید بیخون خفته خلق و با حضور صدها هزار نمازگزار به امامت آیت الله موسوی اردبیلی، برگزار شد. در این مراسم با شکوه، پیش از خطبه های نماز، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی ایران، طی سخنانی دستاوردهای انقلاب پرشکوه مردم ایران را تشریح کرد و ضمن بر سر مردن غارتها و جنایات بی شمار امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکائی جنایتکار در مین ماه، کوشش ضد انقلابی و همکارانش را برای مایوس کردن مردم نسبت به انقلاب، محکوم کرد.
بقیه در صفحه ۲

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

دو نکته اساسی درباره سیاست خارجی

مبانی و نیز خطوط اساسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی، متأسفانه هنوز تدوین نشده‌اند، گرچه اصول سیاست خارجی در قانون اساسی تصریح شده‌اند، و اگر این اصول به درستی تفسیر و تعبیر گردند، تدوین مبانی و خطوط اساسی سیاست خارجی، با تمام دقت و بررسی همه جانبه‌ای که لازم دارد، چندان دشوار نیست.

عدم تدوین مبانی و خطوط اساسی سیاست خارجی باعث آنستکه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران هنوز، متأسفانه پس از دو سال که از پیروزی انقلاب می‌گذرد، دچار تزلزل‌ها و سردرگمی‌هاست. در میان اظهار نظرهای درستی که از جانب شخصیت‌های مختلف در مطبوعات انتشار می‌یابند، یا راه‌های اظهار نظرها نیز مشاهده می‌شود که نمایان‌گر همان سردرگمی‌ها و یا احیاناً اشتباهات و خطا هستند.

ما تا کنون بارها درباره سیاست خارجی، چه درباره مبانی و خطوط اساسی آن، چه درباره مسائل شخصی که در مورد مناسبات با این‌پان‌کشور پیش آمده، اظهار نظر کرده‌ایم و پیشنهادهای معینی نیز بعنوان نظراتی که می‌تواند مورد توجه مقامات مسئول قرار گیرد، ارائه داده‌ایم.

ولی بنظر می‌رسد که به جهت جهت تدوین مبانی و خطوط اساسی سیاست خارجی ادامه دارد، و لذا ما نیز به ارائه نظرات خود ادامه می‌دهیم، باشد که مورد توجه قرار گیرد.

ما در این مقالی که امروز به نظر خوانندگان می‌رسانیم، بجای می‌دانیم که به دو نکته اساسی درباره سیاست خارجی، به اختصار، اشاره کنیم، دو نکته‌ای که برای تدوین مبانی و خطوط اساسی سیاست خارجی دارای اهمیت درجه یک‌اند:

نکته اول اینستکه، سیاست خارجی، ادامه سیاست داخلی، در برقراری مناسبات با دیگر کشورها و خلق‌های جهان است، و نکته دوم این است که، برای اجرای یک سیاست خارجی، به عنوان ادامه سیاست داخلی، به درستی از نظر مبانی و خطوط اساسی تدوین گردد، باید جهان خارج، یعنی دیگر کشورهای جهان را بدرستی شناخت.

سیاست خارجی، ادامه سیاست داخلی، در مناسبات با دیگر کشورهاست

وقتی گفته می‌شود که سیاست خارجی، ادامه سیاست داخلی است، یعنی سیاست خارجی نمی‌تواند بنیاد در جهت عمل کند که متناقض و بسا مخالف و یا بیگانه با اهدافی باشد که سیاست داخلی تعقیب می‌کند، یعنی سیاست خارجی باید به گونه‌ای عمل کند که به سیاست داخلی در دستیابی به اهدافی که در برابر دارد، کمک کند. این حکم کلی درباره تمام دولت‌ها، اعم از دولتهای امپریالیستی و یا دولتهای سوسیالیستی است. دست‌نشانده استعمار و بی‌دولتهای ضد امپریالیستی استقلال طلب، صدق می‌کند.

مثلاً دولت امپریالیستی آمریکا، که در واقع ارگان اجرایی اراده انحصارهای آمریکایی است و در سیاست داخلی وظیفه‌دار است که حداکثر سود ممکن را برای این انحصارها تأمین کند، در سیاست خارجی نیز، از طریق برقراری سلطه استعماری و بسا استعماری بر دیگر کشورها و بی‌دولت‌های خلق‌ها، چه به وسایل «دیپلوما تیک» و «خزنده» و چه به وسیله اعمال قهر آشکار، همین وظیفه را دنبال می‌کند.

این دولت که در سیاست داخلی وظیفه‌دار است حداکثر سود ممکن را برای مجتمع صنعتی-نظامی آمریکایی تأمین کند، در سیاست خارجی نیز، در راه رسیدن به همین مقصود، می‌کوشد که در مناطق مختلف جهان تشنج بیافریند، بین دولتهای مختلف مناقشه ایجاد کند، تا بدین وسیله سابقه تسلطی را برانگیزد و اسلحه بیفروشد، آتش جنگهای منطقه‌ای را شعله‌ور کند، تا بازار فروش اسلحه

رونتی گیرد و...

با مثلاً "دولت سوسیالیستی شوروی، که ارگان حاکمیت خلق زحمتکش‌ها از استثمار است، در سیاست داخلی وظیفه‌دار است که به ویژه نیازمندی‌های مادی و معنوی خلق را بنحوی فزاینده‌تأمین کند. این وظیفه وقتی بنحو احسن قابل اجراء است که حتی المقدور از هزینه‌های غیر-تولیدی، از هزینه‌های نظامی کاسته شود. لذا دولت شوروی در سیاست خارجی می‌کوشد صلح استوار اجراء مسابقه تسلیحاتی مهار شود، مناقشات فروکش کند، مناسبات بین دولتها بر مبنای اصول همزیستی مسالمت‌آمیز برقرار شود، سلطه‌گری و سلطه‌پذیری نباشد، خلقها بتوانند از زیر بوع امپریالیسم رها شوند، استقلال واقعی کشورها و خلقها تأمین گردد و مداخله در امور داخلی دیگر کشورها قطع شود و...

با مثلاً کشوری از "جهان سوم" را در نظر بگیریم، فرضاً لبی را، که خود را از چنگ سلطه امپریالیسم رها ساخته، می‌خواهد استقلال واقعی و تام و تمام خود را تأمین کند. این کشور در سیاست داخلی خود را موظف می‌داند که قدرت تولید داخلی خود را پیوسته افزایش دهد، احتیاجات مادی و معنوی خلق را برآورده سازد و چون اجرای این وظیفه با خصوصیت امپریالیسم و دولتهای دست‌نشانده برخورد می‌کند، لذا سیاست خارجی لبی بصورت مبارزه با امپریالیسم و عمال امپریالیسم عمل می‌کند، لبی که در صف کشورهای ضد امپریالیستی و جنبش‌های استقلال طلب ضد امپریالیستی قرار می‌گیرد. لبی با اجرای چنین سیاست خارجی، از یک خصوصیت و مداخلات امپریالیسم و آبادی آن را خنثی می‌کند، و از سوی دیگر رشد مستقل خود را تأمین می‌نماید.

کشور ما - جمهوری اسلامی ایران - کشوری است که با انقلاب بزرگ ۲۲ بهمن، خود را از زیر بوع رژیم دست‌نشانده و گوش به فرمان امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا، نجات داده است. روند انقلاب، ضمن یک درگیری حیاتی و معانی با امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب پرورده آن، ادامه دارد. در سیاست داخلی ما وظایف بسیار مهمی در پیش داریم: باید ضد انقلاب را سرکوب کنیم، بورژوازی لیبرال ایران را، که سعی دارد راه بازگشت امپریالیسم را گشاید منزوی سازیم و فعالیت آنرا فلج کنیم، چرخ تولید داخلی را با تمام نیرو بحرکت درآوریم، کشاورزی را رونق و اعتلا بخشیم، صنایع راه‌آهن و آبگرمی توسعه دهیم، صنایع سنگین و کلبدی ایجاد کنیم، بیگاری را ریشه‌کن سازیم، گرانی و تورم را مهار کنیم، توزیع کالاها را ضروری و توزیع ثروت را بر مبنای عدالت و نه سود مستضعفان سازمان دهیم، ریشه بیسوادی را در سطح کشور برکنیم، آموزش و پرورش را در راه از "غریب‌زدگی" سازمان بگردشیم، دانشگاه‌ها را به مراکز کسب علوم و فنون شریخش و بارور تبدیل کنیم و... خلاصه کشور را در همه زمینه‌ها بسود توده‌های میلیونی زحمتکشان نوسازی کنیم.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باید در خدمت همین سیاست داخلی، و همین وظایفی که در خدمت رشد مستقل همه جانبه کشور بسود زحمتکشان و مستضعفان باشد. مثلاً برای توزیع عادلانه کالا-های ضروری و توزیع عادلانه ثروت، در سیاست داخلی از جمله باید بازرگانی خارجی را ملی کنیم، عمده‌فروشی داخلی را نیز زیر کنترل دولت قرار دهیم و نیز در سیاست خارجی، در برقراری مناسبات بازرگانی با دیگر کشورها (که باید در خدمت همین سیاست داخلی باشد) ما می‌توانیم باید فقط بر مبنای برابری حقوق کامل

و سود متقابلاً عادلانه عمل کنیم. یا مثلاً ما در نظر داریم که رشد صنعتی مستقل خود را تأمین کنیم. برای این کار باید خود را از زنجیر صنایع مونتاژ، که وسیله وابستگی است تماماً رها کنیم. هر واحد صنعتی که تأسیس می‌کنیم، هر کارخانه‌ای که از خارج می‌خریم، باید در داخل از لحاظ مواد خام، از لحاظ کارگر و کادر فنی از لحاظ ساخت قطعات یدکی تأمین شود. هر کلمی که برای تأسیس این کارخانه از خارج گرفته شود، باید موقت و طبق قرارداد محدود به زمان معین، حتی المقدور کوتاه باشد. از جمله زمان تربیت کارگران متخصص. صنایع اساسی سیاست رشد صنعتی کشور باید تأسیس صنایع مادر و کارخانه‌های تولید کارخانه باشند. برای رسیدن به این مقصود، مادر برقراری مناسبات با دیگر کشورها، در انجام معامله با دیگر کشورها برای تأسیس صنایع مادر، باید در نظر بگیریم که معامله فقط بر مبنای شرایطی انجام پذیرد که پس از مدت تعیین‌شده - المقدور کوتاهی، واحد صنعتی مادر، صد درصد و از همه لحاظ متکی به نیروی داخلی نتواند کار کند.

کشورها باید از موضع تقویت استقلال کشور و بهبود زندگی زحمتکشان باشد. برای توفیق در اجرای چنین سیاست خارجی، برای استوار شدن در برابر رخنه و نفوذ اسارت‌بخشی خارجی، ضمن تأمین نیازمندی‌ها، برای جهان خارج و کشورهای خارجی را، چنانکه هستند، شناخت، این کار آسانی نیست، زیرا در جهان ما، امروز بیش از ۱۶۰ کشور وجود دارند. لذا برای شناخت آنها مقدمه‌تأیید یک تصمیم‌بندی کلی از آنها کرد، به سپس کوشید که شناخت هر یک از آنها را، که با آن بر حسب نیازمندی مناسباتی برقرار می‌شود، دقیق کرد.

«تقسیم» جهان

تعلیقات امپریالیستی، برای این که این شناخت میسر نباشد، برای ایجاد سردرگمی در این شناخت، جهان را به گونه‌های مختلف "تقسیم" می‌کند.

از جمله در تعلیقات امپریالیستی جهان به جهان صنعتی و غیرصنعتی تقسیم می‌شود. در این "تقسیم" آمریکا و دیگر کشورهای امپریالیست مانند آلمان غربی، انگلستان، فرانسه، ژاپن و غیره، هم طراز اتحاد شوروی و دیگر کشورهای رشد یافته سوسیالیستی مانند آلمان دموکراتیک، چکسلواکی، مجارستان و غیره معرفی می‌شوند، و از سوی دیگر، کشورهای غیرصنعتی سرمایه‌داری مانند پاکستان و عربستان سعودی با کشورهای رشد یافته در راه سوسیالیستی نظیر ویتنام و کوبا همگون قلمداد می‌گردند. اغرض از این گونه "تقسیم"، استثمار خصلت امپریالیستی کشورهای رشد یافته سرمایه‌داری و نیز تلقین این دروغ بزرگ به مردم است که فرقی بین کشورهای سوسیالیستی و سرمایه‌داری، فرقی بین کشورهای رشد یافته در راه سوسیالیستی و وابسته با کشورهای رشد یافته در راه سوسیالیسم نیست.

در تعلیقات امپریالیستی هم-چنین جهان به کشورهای غنی و کشورهای فقیر "تقسیم" می‌شود. این "تقسیم" نیز همان هدف گمراه کننده را تعقیب می‌کند. اگر جهان ما به کشورهای غنی و فقیر "تقسیم" شود، هم کشورهای سرمایه‌داری رشد یافته غنی (که ثروت خود را از غارت دیگر خلق‌ها بدست آورده‌اند) و هم کشورهای سوسیالیستی رشد یافته فقیر (که ثروت خود را بر مبنای لغو استثمار و کارآبی نظام‌ها از مالکیت خصوصی بر وسائل تولید کسب کرده‌اند) در یکسوی قرار می‌گیرند، و در سوی دیگر هم کشورهای فقیر قرار می‌گیرند که از طرف

امپریالیسم غارت می‌شوند و هم کشور-های نو استقلال‌گرای که وارث فترتی ناشی از استعمار گذشته هستند. در تعلیقات امپریالیستی جهان هم چنین به "شمال" و "جنوب" تقسیم می‌شود، که باز هم حرف مفتی است که با بیان دیگری، همان اغراض را تعقیب می‌کند که در دو نوع تقسیم بندی قبلی به آنها اشاره کردیم. تقسیم جهان به "دو ابرقدرت" در یکسو و بقیه جهان در سوی دیگر، که سپس به تئوری کاذب ضدانقلابی "سه جهان" توسط مائوئیسم "تکامل" یافت، نیز نوع دیگری از "تقسیم" جهان است، که هدفش محو تناقض موجود واقع بین امپریالیسم و سوسیالیسم، بین آمریکا و شوروی، بین کشورهای رزمنده علیه امپریالیسم و کشورهای دربند اسارت نواستعماری امپریالیسم است. این تقسیم بندی موزیانه ضدانقلابی، شوروی را نوعی امپریالیسم (سوسیال امپریالیسم) معرفی می‌کند، فترت و تناقض موجود بین کشورهای سوسیالیستی را با کشورهای امپریالیستی می‌زداید، کشورهای امپریالیستی را از زیر ضربه نبرد رهایی بخش ضد استعماری خارج می‌سازد، برای سلطه امپریالیسم در کشورهای رشد یافته ("جهان سوم") "جراغ سبز" روشن می‌کند، دوستان دشمنان خلق‌های اسپرو غارت شده را با هم "قاپی" می‌کند، بی‌آبرویی امپریالیسم جهان‌خوار، بویژه آمریکا، را با سوسیالیسم، بویژه شوروی، که حامی نبرد رهایی بخش خلق‌ها است، "تقسیم" می‌کند، و با این "تقسیم" بی‌آبرویی، امپریالیسم هاروچپا و لگر را، به کمک آبروی سوسیالیسم، "بزرگ" می‌کند. این تقسیم بندی، در سطح سیاست جهانی، دشمن اصلی همه خلق‌ها و همه جهان را "ابرقدرت روس" معرفی می‌کند و پیشنهاد می‌کند که با اتحاد "جهان سوم" (کشورهای رشد یافته) و جهان دوم (کشورهای امپریالیستی - غیر از آمریکا) و نیز ابرقدرت آمریکا، جنگ "مقدسی" علیه شوروی و سوسیالیسم انجام گیرد.

(چین مائوئیسم در راه رسیدن به همین هدف گام برمی‌دارد و به همین دلیل عملاً با امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، علیه سوسیالیسم و علیه کلیه کشورهای نواستقلال‌گرای علیه اسارت امپریالیستی می‌رزمند و علیه همه جنبش‌های آزادی بخش، علیه تمام احزاب کارگری و کمونیستی اصیل، می‌جنگد).

اینهاست برخی تقسیم بندیهای کاذب، ضدانقلابی و گمراه کننده‌ای که در زادخانه تعلیقات امپریالیستی مائوئیسمی ساخته و پرداخته شده‌اند، تا خلق‌ها دوستان خود را نتوانند از دشمنان خود تشخیص دهند، تا دشمنان خود را بعنوان دوست بپذیرند و دوستان خود را بعنوان دشمن از خود برانند، خلاصه طعمه امپریالیسم واقع شوند.

اما جهان را فقط بر مبنای واقعیت تناقض و تفاوت ماهوی بین دو نظام اقتصادی - اجتماعی متضاد بین سرمایه‌داری و سوسیالیسم، می‌توان تقسیم کرد، و نیز گسترده‌تر، جهان را به دو جنبه "عظیم نبردی دوران ساز" می‌توان تقسیم بندی نمود، که در یک سوی این جنبه، کشورهای سوسیالیستی وفادار به جهان بیسی مارکسیسم-لنینیسم، جنبش کارگری و کمونیستی جهانی و کشورهای نو-استقلال و جنبش‌های رهایی بخش رزمنده علیه امپریالیسم و استعمار و استعمار نو قرار گرفته‌اند، و در سوی دیگر آن، امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا، دولتهای دست-نشانده امپریالیسم و تمام نیروهای ارتجاعی همه کشورهای صاف آرای کرده-اند. خلاصه‌تر: جهان به دو جنبه، جنبه امپریالیسم و جنبه ضد-امپریالیسم تقسیم شده است و بین این دو نبرد همه جانبه در تمام عرصهها جریان دارد، که نبردی تاریخ ساز است

و دورنمای حتی آن مرگ امپریالیسم مرگ سرمایه‌داری، رهایی خلق‌ها از اسارت و رهایی انسان‌های زحمتکش از استثمار است.

جای جمهوری اسلامی ایران

کشور ما - جمهوری اسلامی ایران - که با انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن، زنجیر اسارت امپریالیستی را گسسته و در نبردی حیاتی-معانی با امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، درگیر است، طبعاً "در جنبه" ضد-امپریالیستی قرار دارد و به همین دلیل مورد حمایت همه کشورهای سوسیالیستی وفادار به مارکسیسم - لنینیسم و سیاست خارجی لنینی قرار گرفته، مورد حمایت تمام کشورهای نواستقلال‌گرای رزمنده غیر سرمایه‌داری و اردو پیش گرفته‌اند. مورد حمایت همه جنبش‌های رهایی بخشی که برای استقلال و آزادی برضد امپریالیسم-رژیم، مورد حمایت تمام گردانهای جنبش کارگری و کمونیستی وفادار به همکاری و همبستگی بین المللی واقع شده است.

جای جمهوری اسلامی ایران طبعاً در این جنبه جهانی عظیم ضد-امپریالیستی است. وظیفه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، شناخت سرشت و خصوصیات کشورهای جنبش‌های تشکیل دهنده این جنبه، برانگیزدن و دودغلیط پیش‌داوریهای ناشی از تبلیغات زهرآلود امپریالیستی، که مانع از شناخت آنهاست، کمک کردن به مبارزه علیه دشمن مشترک-امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، و بر-قراری روابط متقابل حسنه با تمامی گردانهای این جنبه عظیم بر مبنای حسن نیت، برابری حقوق، احترام متقابل، عدم دخالت متقابل در امور داخلی، احترام متقابل به حق حاکمیت و استقلال در اراخ تصمیم و عمل و سود متقابل عادلانه است. این خط سیاسی همانقدر ضرورت حیاتی دارد که خط مبارزه آشتی نا پذیر با امپریالیسم جهان‌خوار، با آمریکا، جنایتکار، که دشمن اصلی خلق و همه خلق‌های جهان است.

اما در جنبه مقابل، همه کشورهای به یکسان زیر سلطه و نفوذ امپریالیسم نیستند. درجه رخنه امپریالیسم در این کشورها بیش و کم دارد. ما با امپریالیسم بسرکردگی آمریکا نیز با رزمیهای دست نشانده و دستیار امپریالیسم (مانند مصر، آفریقای جنوبی، اسرائیل، پاکستان، عربستان سعودی، اردن، مراکش، عراق و برخی شیخ نشین‌های جنوب خلیج فارس و غیره) درگیر نیستیم. این نبردها را تا حدی که در این نبردها به معنای سستی در حفظ موجودیت جمهوری مستقل ماست. ولی با همه دیگر کشور-های زیر نفوذ کما بیش استعمار نوین امپریالیستی، درگیر نیستیم.

ما می‌توانیم و حتی لازم است با آنها روابط و مناسبات معینی داشته باشیم، البته با حفظ مواضع اصلی خود. برای برقراری چنین مناسباتی باید این کشورها را، هر یک از آنها را، بطور مشخص شناخت، درجه نفوذ استعمار نوین و رخنه امپریالیسم را در آنها بدرستی ارزیابی کرد و آنگاه چنان مناسباتی با آنها برقرار کرد که، ضمن بر طرف کردن نیازمندیهای متقابل، کمکی به تقویت امکانات آنها برای خروج از زیر نفوذ اسارتگر امپریالیسم باشد. مثلاً کشورهای از این زمره نیازمند نفت‌اند. ما نیز فروشنده نفتیم. ما باید سعی کنیم که نفت خود را، بدون واسطه و مستقیماً به این کشورها، که نیازمند نفت‌اند، ولی فقط تا حدودی زیر نفوذ استعمار نوین اند، بفروشیم و حتی بقیه کمی ارز را نیز بفروشیم، تا این کشورها بتوانند از نفوذ استعمار نوین بگانه‌اند. این خود نوعی مبارزه ضد امپریالیستی است.

بدینسان، خط سیاسی دیگری برای وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران معین می‌شود که خط برقراری مناسبات - با حفظ مواضع اصلی - با دیگر کشورهای بی‌بشر و کم زسر نفوذ امپریالیسم اند، چنانکه به رهایی آنها بقیه در صفحه ۶

حوادث ناشی از کار، بلای جان کارگران است

گرمای باد یاد شهیدان قهرمان کارخانه های نساچی قائم شهر

توان و بایاد این حوادث را تقلیل داد و از مخاطراتی که کارگران را تهدید می کند، جلوگیری بعمل آورد.

برای جلوگیری و هر چه کمتر کردن حوادث اقدامات ضروری را بید صورت گیرد که از جمله می توان چنین باشد:

۱- کارخانه ها و مراکز تولیدی کشور، بطور عمده، از محیط بهداشتی و سالم برخوردار نیستند و هر یک بنا به نوع کار خود، کمبودهایی دارند. کارخانه های بافتندگی و ریسندگی و کوره پزخانه ها و گچ پزها عموماً فاقد دستگاه

تجهیزات لازم، جهت کمک رساندن هر چه فوری تر به کارگران، تهیه شود. در هر مرکز تولیدی بزرگ و در جوار هر چند کارخانه و کارگاه باید یک آمولانس و درمانگاه مجهز وجود داشته باشد.

۴- وسایل کار از جهت ایمنی مجهز شوند و وسایل کار در کارخانه ها غالباً از ایمنی کافی برخوردار نیستند. بطور مثال: وسایل و ماشین آلات به طور عمده برقی هستند، ولی کمتر سیستمی ها طبق ضوابط نسبی است. سیم ها در اطراف دستگاهها پخش هستند و خطر دائمی اتصال سیم ها به یکدیگر و برق گرفتگی، کارگران را تهدید می کند.

باید دستگاه ها و ماشین آلات را مجهز به وسایل ایمنی کرد و نقص آنها را، که می تواند خطری برای کارگران بوجود آورد، برطرف نمود.

اینها اقداماتی است که در تاسیس هر کارخانه و مرکز تولیدی باید مورد نظر باشد. اما مسئله دیگر رسیدگی به چگونگی اجرای این اقدامها و نظارت بر آنها است.

۵- برای رسیدگی به چگونگی اجرای بهداشت محیط کار، با بهداشت ویژه ای نظرف وزارت کار تشکیل شود و با همکاری سندیکاها و شوراهای کارگری برای این کار نظارت در این خصوص باید صورت گیرد. تمام کارخانه ها و مراکز تولیدی بزرگ و کوچک خصوصی و دولتی باید این هیئت همچنین باید ماشین و مدبران کارگاه ها و کارخانه ها را ملزم به اجرای این اقدامها کند.

در این میان، کارگران نیز باید نقش فعال خود را برای ایجاد محیط مطمئن و بهداشتی کار را ایفا کنند. کارگران باید هر کمبود و نقصان را از طریق شوراها و سندیکاها یا مسئولین در میان بگذارند و اقدام های لازم را از آنها طلب کنند.

البته اقدامات فوق عمومی است و باید در تمام کارخانه ها، مراکز تولیدی و کارگاه های بزرگ و کوچک اجرا شود. ولی هر کارگاه و ویژگی های خاص خود را نیز دارد و این می طلبد، باید برای چنین اقداماتی، در هر زمینه، متخصصین و دست اندرکاران آشنا به نوع کار، در هر جا و در هر محل های خاص ایمنی برای نوع کار مشخص را ارائه دهند و آنرا عملی سازند.

سلامت کارگران و حفظ آن امری است که رابطه مستقیم با منافع جامعه دارد. باید با اقدامات لازم و ضروری، هر چه سریعتر و بهتر در راه رفع مشکلات موجود برای ایمنی کارخانه ها و مراکز تولیدی، کوشید.

آئین نامه های مربوط به بهداشت کار و روحاقت فنی، به نحوی باید تدوین شود که بهداشت کارگران و محیط کار را کاملاً تامین کند و سوانح کلر فنی و مراعات دقیق معیارهای فنی و کنترل موثر عموم کارکنان به حداقل کاهش یا بند

آنها، جان کارگران را بطور جدی تهدید می کند. این نیز یکی از میراث های شومی است که از رژیم طاغوت باقی مانده است. زمانی که تنها کسب سود بیشتر و غارت دسترنج حمتکشان جهت تأمین مقاصد استعمارگرانه امپریالیست ها و سرسپردگان داخلی آنها، مدنظر بود. در رژیم پهلوی کارگران حتی از داشتن لباس کار مناسب محروم بودند، چه رسد به دیگر وسایل ایمنی در کارخانه ها، که می بایستی برای حفظ سلامت آنها تامین می شد.

خسری داشتیم چاکسی از کشته شدن چهار کارگر معدن ذغال سنگ "باب نیزو" (زرد کرمان) که بر اثر ریزش معدن روی داده بود.

اجساد این چهار رتن را - یک تن در روزهای اول حادثه ۳ نفر دیگر را هشت روز بعد از زیر آوار بیرون آوردند. یکی از تکنسین ها علت ریزش معدن را "پرتاب گاز متان" گفته بود. وی برای این مطلب تاکید داشت که بسبب مشکل بودن روش استخراج و همچنین مقدار گاز موجود، حوادث ناشی از گاز در این معدن بیشتر است. لذا می بایستی حفاظت و رعایت در این معدن بیشتر بنا به گفته این تکنسین، برای جلوگیری از این گونه حوادث در چنین معادنی میتوان از طریق حفاری های فرعی با قطر کم و متوسط ساختن فضای داخلی معدن با خارج، گاز موجود را به خارج از معدن انتقال داد و یا قبل از حفاری، در مسدود موجود را توسط گروه نجات و ایمنی اندازه گیری کرد و پس از آن به حفار تونل دست زد.

در محیط کار هر زمان حادثه در کمین جان کارگران است. باید کارگران را از این خطرات در امان داشت.

ضوابط بهداشت، حفاظت و ایمنی کار باید در هر کارخانه و مراکز تولیدی بزرگ و کوچک خصوصی یا دولتی باشد.

آئین نامه های مربوط به بهداشت کار و حفاظت فنی باید با مراعات دقیق معیارهای فنی و قراردادهای سازمان بین المللی کار تعیین شود.

باید این میراث شوم را به همراه طاغوت بگوریم و روابط نوینی را برای تأمین ایمنی کارگران در محیط کار، پی ریزی کرد.

کمبود وسایل ایمنی برای هر کارگر، بهداشت حفاظت و ایمنی دستگاه ها و ماشین آلات عدم بررسی شرایط محیط کار و غیره، تاکنون حسوادت اسفبار و غم انگیزی برای کارگران وجود آورده است.

چنین آتالی که بر اثر فرسودگی و مقاومت لازم را از دست داده اند، چه بسیار کارگران که در حین کار با بریده شدن تسمه ای و یا شکسته شدن قسمتی، جان خود را از دست داده اند و یا عضو ای بدنشان ناقص شده است.

از این گذشته، نبودن وسایل ایمنی بطور طبیعی و روزمره کارگران را مستلاً به بیماری های گوناگون می کند. مثلاً در کوره پزخانه ها، آهک پزها و رنگ کارها، همیشه بیماری های ریوی کارگران را تهدید می کند. کارگران موزائیک ساز و سیمان کار، که بر اثر رطوبت محیط کار خود، دچار بیماری روماتیسم می شوند. کارگران بعلت نداشتن لباس کار مناسب و دست و پا کردن لباس های عادی، دست، پا و دیگر اعضای بدنشان، بر اثر ماندن زیر پیرس، برخورد با دستگاه ها و ماشین آلات گوناگونی که وجود دارد، صدمه می بینند.

هزاران حادثه در کمین جان کارگران است. ولی می -

و نیز در تاریخچه چهار رمدیماه امسال، مینی بوس کارخانه شیر منطقه خراسان (واقع در ۲۰ کیلومتری جاده سنتو) دچار سانحه شد و سه کارگر زخمی و یک نفر کشته شد. این سانحه هنگامی رخ داد که این سانحه هنگامی رخ داد که کارگران عازم محل کار خود بودند.

در جاده سنتو، تا حدود سی کیلومتری آن، چندین مرکز تولیدی قرار دارد و بخصوص قبل از شروع عیسی از پایان کار شرکت های تولیدی، این جاده با ترافیک سنگینی روبروست. کارگران برای جلوگیری از چنین حوادثی از مسئولین خواسته بودند:

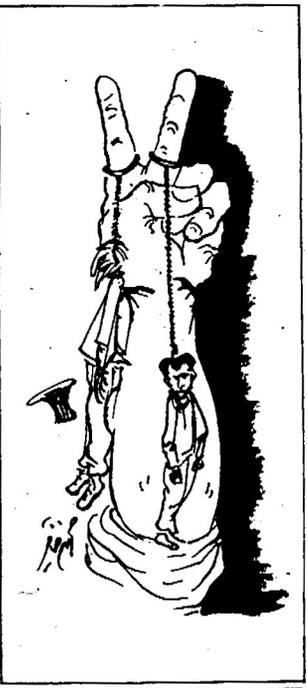
۱- از رانندگان بانچه برای اجابایی کارگران استفاده شود.

۲- عرض جاده "سنتو" (که محل عبور کارگران چندین کارخانه و مراکز تولیدی است) تا حداقل سی کیلومتری آن افزایش یابد.

حادثه ای نیز در کارخانه تولیدی قطعات فولادی روی داد: هنگامی که ورقه های فلزی بوسیله جرثقیل حمل و نقل می شد، بر اثر رها شدن زنجیر، ورقه های فلزی رها شد و پای یک کارگر را بشدت ضربه زد. نیز خیری بود که بر اثر یکی از کارگران ایران ناسیونال این کارگر به داخل کانال بدون حفاظی که در مقابل در ورودی کارخانه حفر شده بود، سقوط کرد و جان سپرد.

گوناگونی حوادث و تعدد

بنا به گفته این تکنسین، برای جلوگیری از این گونه حوادث در چنین معادنی میتوان از طریق حفاری های فرعی با قطر کم و متوسط ساختن فضای داخلی معدن با خارج، گاز موجود را به خارج از معدن انتقال داد و یا قبل از حفاری، در مسدود موجود را توسط گروه نجات و ایمنی اندازه گیری کرد و پس از آن به حفار تونل دست زد.



طبقه کارگران، در افزایش تولید، ترمیم خسارات جنگ و دفاع در جبهه، پیشقدم است!

تهویه لازم برای پاک کردن محیط کار هستند. یا در تعمیرگاه ها و وسایل و مواد اضافی کار همیشه در محیط کار بر روی هم انباشته می شود.

باید محیط های کار را بهداشتی کرد و آیین نامه های موجود را بقتوت دنبال نمود و زمینه اجرای بی خدشه آن ها را فراهم آورد.

۲- برای پدلیاس کار و وسایل ایمنی برای کارگران تهیه شود. لباس کار کارگران در بیشتر موارد مناسب نیست و از نظرسایل ایمنی نیز با اصولا چنین وسایلی را در اختیار ندادند و یا اگر داشته باشند، ناقص است. بهمین دلیل کمتر مورد استفاده قرار می گیرند. تأمین لباس کار مناسب و وسایل ایمنی، امری است ضروری و همه واحدها باید کارگران خود را از این نظر تجهیز کنند.

۳- تجهیزات ایمنی کارخانه و مراکز تولیدی باید تکمیل باشد. در بسیاری از کارخانه ها و مراکز تولیدی، وسایل و تجهیزات لازم جهت اقدام های فوری برای کمک به مجروحین و مصدومین وجود ندارد. بضمیمه معدن "باب نیزو" گواه خوبی بر این موضوع است. از کارگرانی که زیر آوار مانده بودند، یک نفر پس از یکی دو روز اول و سه نفر دیگر پس از هشت روز از زیر آوار بیرون کشیده شده بودند. در حالی که اگر وسایل کافی بود، بیرون کشیدن مصدومین سریعتر انجام می گرفت و امکان نجات جان آنان بر ما تب بیشتر می شد.

باید برای چنین مکانها و دیگر کارخانه ها و مراکز تولیدی

در زمان حکومت رژیم مغرور گذشته، کارخانه های ریسندگی و بافتندگی "بافت بلوچ" در استان سیستان و بلوچستان (ایران شهر) ایجاد شد. متأسفانه چند سالی است که ماشین آلات عظیم این کارخانه، در زرباد و باران قرار دارند و اگر از جانب مسئولان امر در جهت برآوردن کارخانه اقدامی صورت نگیرد، این کارخانه عظیم از بین خواهد رفت.

مقامات مسئول می توانند با بهره گیری از یک طرح ضربتی هر چه زودتر کارخانه را آماده بهره برداری کنند. خوشبختانه اراضی حاصلخیز و متعددی نظیر نواحی اطراف گرگان و گنبد نیز می توانند ذخایر غنی مادی اولیه (بنبه) آن باشند.

نکته قابل اهمیت اینست که، با بکار افتادن این کارخانه، حدود دو هزار و پانصد نفر، آنهم فقط در بخش صنعتی آن، به کارگزار می شوند. در این صورت کارخانه می تواند با تولید میلیونها متر پارچه در سال - علاوه بر خود کفا کردن بازار داخلی - مقداری هم به خارج صادر

باید این میراث شوم را به همراه طاغوت بگوریم و روابط نوینی را برای تأمین ایمنی کارگران در محیط کار، پی ریزی کرد.

کمبود وسایل ایمنی برای هر کارگر، بهداشت حفاظت و ایمنی دستگاه ها و ماشین آلات عدم بررسی شرایط محیط کار و غیره، تاکنون حسوادت اسفبار و غم انگیزی برای کارگران وجود آورده است.

چنین آتالی که بر اثر فرسودگی و مقاومت لازم را از دست داده اند، چه بسیار کارگران که در حین کار با بریده شدن تسمه ای و یا شکسته شدن قسمتی، جان خود را از دست داده اند و یا عضو ای بدنشان ناقص شده است.

از این گذشته، نبودن وسایل ایمنی بطور طبیعی و روزمره کارگران را مستلاً به بیماری های گوناگون می کند. مثلاً در کوره پزخانه ها، آهک پزها و رنگ کارها، همیشه بیماری های ریوی کارگران را تهدید می کند. کارگران موزائیک ساز و سیمان کار، که بر اثر رطوبت محیط کار خود، دچار بیماری روماتیسم می شوند. کارگران بعلت نداشتن لباس کار مناسب و دست و پا کردن لباس های عادی، دست، پا و دیگر اعضای بدنشان، بر اثر ماندن زیر پیرس، برخورد با دستگاه ها و ماشین آلات گوناگونی که وجود دارد، صدمه می بینند.

هزاران حادثه در کمین جان کارگران است. ولی می -

و نیز در تاریخچه چهار رمدیماه امسال، مینی بوس کارخانه شیر منطقه خراسان (واقع در ۲۰ کیلومتری جاده سنتو) دچار سانحه شد و سه کارگر زخمی و یک نفر کشته شد. این سانحه هنگامی رخ داد که این سانحه هنگامی رخ داد که کارگران عازم محل کار خود بودند.

در جاده سنتو، تا حدود سی کیلومتری آن، چندین مرکز تولیدی قرار دارد و بخصوص قبل از شروع عیسی از پایان کار شرکت های تولیدی، این جاده با ترافیک سنگینی روبروست. کارگران برای جلوگیری از چنین حوادثی از مسئولین خواسته بودند:

۱- از رانندگان بانچه برای اجابایی کارگران استفاده شود.

۲- عرض جاده "سنتو" (که محل عبور کارگران چندین کارخانه و مراکز تولیدی است) تا حداقل سی کیلومتری آن افزایش یابد.

حادثه ای نیز در کارخانه تولیدی قطعات فولادی روی داد: هنگامی که ورقه های فلزی بوسیله جرثقیل حمل و نقل می شد، بر اثر رها شدن زنجیر، ورقه های فلزی رها شد و پای یک کارگر را بشدت ضربه زد. نیز خیری بود که بر اثر یکی از کارگران ایران ناسیونال این کارگر به داخل کانال بدون حفاظی که در مقابل در ورودی کارخانه حفر شده بود، سقوط کرد و جان سپرد.

گوناگونی حوادث و تعدد

مهمین انقلابی ما در رشته ریسندگی و بافتندگی سابقه و تجربه فراوان دارد و سابقه مبارزاتی کارگران شاغل در این رشته علیه استبداد و امپریالیسم و حضور دائمی آنها در همه مبارزات نیز بر همگان روشن است.

بنا به این امر، از مسئولان می خواهیم که با اعتماد به این ستون بولادین، از آنها برای رفع مشکلات موجود، بخصوص حل بعضی "بافت بلوچ"، طلب باری کنند. مسلماً کارگران و متخصصین بیدار دل این رشته صنعتی، با اولین ندای مسئولان با جان و دل آماده هرگونه همکاری خواهند بود.

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا باید در هر دو جنبه کار و پیکار تلاش کرد. کارگران پیکارجوی ایران تاکنون در عمل نشان داده اند که در هر دو جنبه مردگام و پیکارند.

نکته قابل اهمیت اینست که، با بکار افتادن این کارخانه، حدود دو هزار و پانصد نفر، آنهم فقط در بخش صنعتی آن، به کارگزار می شوند. در این صورت کارخانه می تواند با تولید میلیونها متر پارچه در سال - علاوه بر خود کفا کردن بازار داخلی - مقداری هم به خارج صادر

باید این میراث شوم را به همراه طاغوت بگوریم و روابط نوینی را برای تأمین ایمنی کارگران در محیط کار، پی ریزی کرد.

کمبود وسایل ایمنی برای هر کارگر، بهداشت حفاظت و ایمنی دستگاه ها و ماشین آلات عدم بررسی شرایط محیط کار و غیره، تاکنون حسوادت اسفبار و غم انگیزی برای کارگران وجود آورده است.

چنین آتالی که بر اثر فرسودگی و مقاومت لازم را از دست داده اند، چه بسیار کارگران که در حین کار با بریده شدن تسمه ای و یا شکسته شدن قسمتی، جان خود را از دست داده اند و یا عضو ای بدنشان ناقص شده است.

از این گذشته، نبودن وسایل ایمنی بطور طبیعی و روزمره کارگران را مستلاً به بیماری های گوناگون می کند. مثلاً در کوره پزخانه ها، آهک پزها و رنگ کارها، همیشه بیماری های ریوی کارگران را تهدید می کند. کارگران موزائیک ساز و سیمان کار، که بر اثر رطوبت محیط کار خود، دچار بیماری روماتیسم می شوند. کارگران بعلت نداشتن لباس کار مناسب و دست و پا کردن لباس های عادی، دست، پا و دیگر اعضای بدنشان، بر اثر ماندن زیر پیرس، برخورد با دستگاه ها و ماشین آلات گوناگونی که وجود دارد، صدمه می بینند.

هزاران حادثه در کمین جان کارگران است. ولی می -

و نیز در تاریخچه چهار رمدیماه امسال، مینی بوس کارخانه شیر منطقه خراسان (واقع در ۲۰ کیلومتری جاده سنتو) دچار سانحه شد و سه کارگر زخمی و یک نفر کشته شد. این سانحه هنگامی رخ داد که این سانحه هنگامی رخ داد که کارگران عازم محل کار خود بودند.

در جاده سنتو، تا حدود سی کیلومتری آن، چندین مرکز تولیدی قرار دارد و بخصوص قبل از شروع عیسی از پایان کار شرکت های تولیدی، این جاده با ترافیک سنگینی روبروست. کارگران برای جلوگیری از چنین حوادثی از مسئولین خواسته بودند:

۱- از رانندگان بانچه برای اجابایی کارگران استفاده شود.

۲- عرض جاده "سنتو" (که محل عبور کارگران چندین کارخانه و مراکز تولیدی است) تا حداقل سی کیلومتری آن افزایش یابد.

حادثه ای نیز در کارخانه تولیدی قطعات فولادی روی داد: هنگامی که ورقه های فلزی بوسیله جرثقیل حمل و نقل می شد، بر اثر رها شدن زنجیر، ورقه های فلزی رها شد و پای یک کارگر را بشدت ضربه زد. نیز خیری بود که بر اثر یکی از کارگران ایران ناسیونال این کارگر به داخل کانال بدون حفاظی که در مقابل در ورودی کارخانه حفر شده بود، سقوط کرد و جان سپرد.

گوناگونی حوادث و تعدد

بنا به گفته این تکنسین، برای جلوگیری از این گونه حوادث در چنین معادنی میتوان از طریق حفاری های فرعی با قطر کم و متوسط ساختن فضای داخلی معدن با خارج، گاز موجود را به خارج از معدن انتقال داد و یا قبل از حفاری، در مسدود موجود را توسط گروه نجات و ایمنی اندازه گیری کرد و پس از آن به حفار تونل دست زد.

تأثیری به واحدهای کار با کمک کارگران و کارشناسان ایرانی، کارخانه های ریسندگی و بافتندگی «بافت بلوچ» را براه اندازیم

پایان سفر به روستاهای مهربان

مهربان با قراقرز و فراوانش در گوشه و کنار همدان بزرگترین دشت ها غنوده است. در دامن هر کوه، در کنار روستاها رودخانه، قریه ای محروم و فاقد امکانات مناسب زندگی، نفس می کشد. آنجا نه سرای مناسبی برای درس خواندن وجود دارد، نه خانه ای برای درمان دردهای پیشما رده ها تا آن منطقه، نه آبی به این قراقرز راه دارد و نه روشنائی برفی، سفری را که به ممتق محرومیت های روستایان قراقرز مهربان - نمره سال ها حکومت منفرجه پهلوی ها و اربابان - همراه با هم، در چند شماره نامه "مردم" کرده ایم، امروز به پایان می رسانیم.

آقای بلاغ مرشد

قریه آقای بلاغ مرشد ۷ خانوار از جمله ۴ خانوار خوش نشین دارد.

جمعیت ده حدود ۱۲۰۰ نفر و فاصله آن تا همدان حدود ۱۲۰ کیلومتر است. این قریه از دورافتاده ترین روستاهای این دهستان است.

یکی از دهقانان می گوید: "زمینهای خوب به مساحت ۵۰ هکتار در دست ما لک است. ما تا بحال چندین بار شکایت کرده ایم، ولی هیئت واگذاری زمین تا بحال به ده ما نیامده است. مردم را زشورا از زمینها می گویند به کارهای اهالی رسیدگی نمی کنند. ضمناً روی مقداری از زمین ها، ما لک به دهقانان را بکار واداشته است."

حما به صورت خزینه است و چهار سال زندگی در حال لایروبی قنوات است. در این روستا از درگاه و امکانات بهداشتی و ... خبری نیست.

اهالی آقای بلاغ مرشد نیز برای مقابله با تجاوز آمریکا طی صدم ما نننداسی بر اهالی دهستان مهربان، آماده شرکت درسیع اندونتی خدمتان ۵۶ این روستا خود را معرفی کرده اند. آنها علیه روستا ما مناسب و سفره خالی یک وانت بار نان به جنگ زدگان کمک کرده اند. خواست های اساسی این دهقانان مومن به انقلاب به شرح زیر است:

۱- واگذاری زمین خوش نشینان می گویند: "با بدبختی و واگذاری زمین به دستورا ما م هر چه زودتر گاو واگذاری را به صورت قانونی شروع کنند، تا دیگر ما مجبور نباشیم بیرویم تهران را کار کنیم و بیاییم در ده بخوریم، یا برای ارباب زحمت بکشیم."

۲- حوام روستایان از چهار سال زندگی می خواهند که، همراه سایر ارگان های مسئول، حوامی بصورت دوش در ده ایجاد کند و همچنین راهی برای این ده و روستاهای دیگری که در مسیر آن قرار دارد، احداث کند.

۳- نفت و گاز و ژئیل دهقانی می گویند: "اگر تا چند روز دیگر نفت نرسد، ما از بی نفتی و از سرما خواهیم مرد."

کلیک

در قریه کلیک ۱۱۰ خانوار زندگی می کنند، که از این تعداد ۲۵ خانوار خوش نشینند. جمعیت ده حدود ۶۰۰ نفر و فاصله آن تا همدان ۹۰ کیلومتر است.

وضع راه این ده بسیار خراب است و احتیاج به مرمت دارد. این ده مدرسه دارد، ولی معلم ندارد و مردم از این بابت

خوش نشین ها زمینهای مالک را کاشته اند. یکی از خوش نشینان می گوید:

"هیئت به ده آمده، ولی کار واگذاری زمین را انجام نداده و ما مجبور شده ایم خودمان زمینها را تقسیم کنیم و بکاریم."

نگار با داد زحمت کشاورزی دارای موقعیت بسیار عالی است، زیرا دارای خاک حاصلخیز و زمینهای یکدست و جلگه ای است که اگرچه های عمیق و نیمه عمیق در این روستا زده شده، دارای بهترین محصول خواهد شد. مردم آن هم کوشا و کاری هستند و برای این با حل مسئله زمین و سریدن دست بزرگ مالک و دادن وسایل به دهقانان، تولید می توان اند. رود حاصل زیادتری دست آید. اهالی می خواهند که جهاد سازندگی سازندگیهای مجاور، که رفته و کار کرده، به این ده نیز بیاید. نفت نیز، با وجود سرمای شدید، به ده نمی رسد، و این شدیداً باعث ناراحتی اهالی گردیده است.

اهالی این روستا آماده شرکت درسیع عمومی اند و تاکنون ۲۵ رأس گوسفند، یک واگن با آرد و مقدار ۶۰۰۰۰ ریال پول نقد برای تقویت جهاد جنگ علیه تجاوز آمریکائی صدام کمک کرده اند.

عبدل آباد

در قریه عبدل آباد دهستان مهربان ۶ خانوار، ۶ خانوار خوش نشین، جمعیت ۳۴۰ نفر، فاصله تا همدان ۱۵۰ کیلومتر). مالک حدود ۳۴۰ هکتار زمین درم و اداشته است. معاً سابقه در جریان واگذاری زمین، بین دهقانان و خوش نشینان اختلاف بوجود آمده است، در حالیکه آنها می بایست دست در دست هم کار کنند و بطور دوگانه کلیه زمینها را به شکل مشاع زیرکشت بپردازند. دهقانان صاحب نسق حدود ۱۵۳ هکتار را بین خود تقسیم کرده اند. هیئت نفت نوری می خواسته است به بی زمینها، اراضی را واگذار کند، ولی دهقانان می گفتند:

"ما لک این زمینها را با رشوه گرفته و هر ساله مقدار زیادی محصول از ده می بردیم و فروشد من خوش نشین با بدبختی همدان یا تهران بروم و کار کنم."

وضع راه این ده بسیار خراب است، به طوری که با اولین برف زمستان بسته میشود. مدرسه تا کلاس پنجم ابتدائی وجود دارد و حوام بصورت خزینه است. قنات های این ده به وسیله جهاد سازندگی لایروبی شده است. اهالی این ده از نبودن نفت و گاز و ژئیل به شدت ناراحتند و می گویند:

"اگر تا چند روز دیگر نفت نیاید، ما از سرما می میریم. در مانگا و بهداشت در این روستا نیست."

اهالی مبلغ ۴۱۰۰ تومان پول، مقداری نان و چند گوسفند به جنگ زدگان کمک کرده اند. خواست های اساسی اهالی عبارتند از: واگذاری زمین به زمین و سرمدی به حوام راه و همچنین ساختن حوام توسط نهادهای انقلابی جهاد سازندگی و تامین نفت و گاز و ژئیل و ...

با شدکها اقدامات سریع و قاطع، روستاها ز زحمتکش را هر روز بیشتر به انقلاب دستاورد های آن علاقمندان سازیم.

نگار آباد

در قریه نگار آباد ز توابع دهستان مهربان (۹۵ خانوار - ۵۰ خانوار خوش نشین - جمعیت حدود ۶۰۰ نفر، فاصله تا همدان ۱۱۰ کیلومتر). یک نفر مالک حدود ۹۰ هکتار زمین دارد.

روستایان دولت آباد قسم چه می خواهند؟

روستای دولت آباد واقع در بخش تفروود از توابع شهرستان قم است. این روستا ۵۰ خانوار و حدود ۲۵۰ نفر را در برمی گیرد. اهالی روستا به کشاورزی و قالی بافی اشتغال دارند. از ۵۰ خانوار ساکن در این روستا ۲۰ خانوار فاقد زمین هستند و در اراضی اربابی کار میکنند. زمینهای اطراف روستا اربابی است و ۲۰ خانوار زمینهای یک تا ۵ هکتاری دارند. در این روستا ۳ قنات وجود دارد و سه ارباب ده از هر قنات ۱/۵ دانگ از ۶ دانگ آب می برند. روستایان اراضی را یک پنج می کنند. (یک قسمت محصول از آن زارع و چهار قسمت از آن مالک است). حسین فردی یکی از روستایان بی زمین می گفت:

"... این اربابها اینجا بر ما حکومت میکنند، در حالی که سقف تنها اتاق کلی، که در زمستان و تابستان در آن زندگی میکنیم، در حال ریختن است، خانه ارباب درم داخل روستا و بر روی بلندی واقع است، دارای اطاقهای آجری و بزرگ است."

او نگاه ادامه داد:

"ارباب مانع کار راه انداختن حوام روستا میشود. اربابها چون در ادارات دولتی آشنا دارند، مانع انجام خواست های روستایان میگردند. این روستا فاقد امکانات درمانی و بهداشتی است. در روستای دولت آباد درمانگاه نیمه ساخته ای وجود دارد، که لازم است بوسیله نهادهای انقلابی و با همکاری خود روستایان تکمیل گردد. روستایان به هنگام بیماری باید مسافت ۴ کیلومتر تا تفروود را طی کنند. از سوی جهاد سازندگی پزشک به این روستا می آید، لیکن به دلیل فقدان امکانات درمانی قادر به پاسخگویی نیازهای اهالی نیست. روستای دولت آباد فاقد آب لوله کشی است. قنات روستا بوسیله جهاد سازندگی لایروبی شده است. در این روستا مدرسه ابتدایی و راهنمایی وجود دارد. همچنین روستایان شورا در این روستا تشکیل داده اند. خواست های اساسی روستایان زحمتکش روستای دولت آباد اجرای قانون اصلاحات ارضی

و واگذاری زمین به آنان است. این روستایان همچنین نامه به جهاد سازندگی و اداره تعاون مور روستاها ارسال داشته اند، لیکن هربار که گروهی برای رسیدگی به خواست های آنان آمده اند، با فسطه و مکر و فریب اربابان خونخوار و غارتگر روبرو شده اند -

اینک بر همگان آشکار شده است که نهایت آرزوی زمینداران بزرگ شکست انقلاب شکوهمند مردم زحمتکش است. خوش رقصی زمینداران بزرگ در خوشستان بهنگام ورود قنات و تجاوزگر صدام نموده ای است که بر این گفته مهر صحت می گذارد. آنان بهمراهی سرمایه داران بزرگ و نیز لیبرال ها، که تادیروز وقتی امروز، مظلومانه و در حرفه سینه به

تنور انقلاب می چسباندند، مسموم اند تا بر کرده انقلاب سوار شوند و تراز به انحراف و شکست بکشانند. آنان تمسک انقلاب و تحقق خواست های زحمتکش را مانع منافع خود و مسایر مرگ خویش می دانند. بی جهت نیست که امام خمینی در دیدار با نخست وزیر تاکید می کنند که:

"... کجوجه به ایمن زودبیا نمی توانیم روستاها را آنطور که غایب است از نظر خدماتی ببینیم، ولی ما باید هر چه را که در توان داریم به این طبقه محروم و مستضعف رسیدگی کنیم.

آری باید رسیدگی کنیم. باید هیئت های هفت نفری هر چه زودتر سریمتر! جای قانون را تدارک ببینند و از هم اکنون بدهای الف و ب را کاملاً با تمام رسانند. باید

زمین به دهقان زحمتکش تعلق گیرد و شمره کارش از آن خود و باشد، او که با کار خود و ایثار و فداکاری و شهادت خود و فرزندانش مصمم است تا بوزه آمریکا و نوکرش صدام را بر خاک مالند.

همچنین باید به وضع قالی بافان در این روستا که تعداد آنان زیاد است، رسیدگی شود و باید بر طبق شرایط روستا و نیز خواست خود قالی بافان، آنان را وارد تعاونی کرد و از طریق این تعاونی برای آنان وسایل کار فراهم کرد و به نیازهای مالی آنان پاسخ داد.

مصادره آب گرم بستان آباد توسط بنیاد مستضعفین

اقدام به مصادره آب گرم بستان آباد، که از طرف بنیاد مستضعفین صورت گرفته است، مورد تأیید و پشتیبانی اهالی بستان آباد قرار گرفت. قیلا این منبع طبیعی در "تعلق" ارباب ده داسکی کنه بود که برایش آنرا اجازه میدادند.

بنیاد مستضعفین با این اقدام خود که در پایان ماه اسفند به مرحله اجرا گذاشته، دست کسانی را که طی سالها این منبع طبیعی را به ناحق نصب کرده بودند، از این منبع زیرزمینی کوتاه کرد.

این عمل انقلابی بنیاد مستضعفین مورد پشتیبانی قطع اهالی این منطقه واقع شد.

مهربان - استان همدان، آماه - اندتا با شرکت در "جهاد کشاورزی" به نبرد برای لایروبی محصول و خرید کردن محارمه اقتصادی آمریکا بپردازد و بنیاد مستضعفین در جهت و درسیع، مستقیماً در نبرد برای درهم شکستن تجاوز نظامی



رادیو «بی بی سی» و لیبرال ها

تره ذره آنچه در ارض و سماست

جنس خود را همچو گاه و کهرباست

نقش "بی بی سی" . به عنوان سخنگوی امپریالیسم بریتانیا بر هیچ کس پوشیده نیست. "بی بی سی" در نهب زمین فکری و جو سازی بر ضد نیروهای انقلابی ایران و کمک به نیروهای ضد انقلابی. کمک گرانمایی به امپریالیست ها کرده و می کند. کافی است بمقتض تخریبی این نگاه فریبکار در دوران جنبش ملی کردن صنایع نفت و در جریان انقلاب بهمن اشاره کنیم. کسانی که روزهای سالهای ۱۳۳۵ را گذرانده اند. می دانند که رادیو "بی بی سی" در حقیقت مرکز رهبری نیروهای ضد انقلابی بود. آخرین فرمان سقوط حکومت مصدق و آغاز کودتای ۲۸ مرداد، چنانکه امروز همه می دانیم. از دهان گوینده رادیو "بی بی سی" بیرون آمد. در دوران انقلاب بهمن نیز رادیو "بی بی سی" تمام کوشش خود را برای تبلیغ سیاست لیبرال ها و ملی گرایان به کار بست. اخبار و مباحثها و تفسیرهایی که "بی بی سی" در این مدت پیش می برد، همه در سمت توجیه و تبلیغ مواضع لیبرال ها بود.

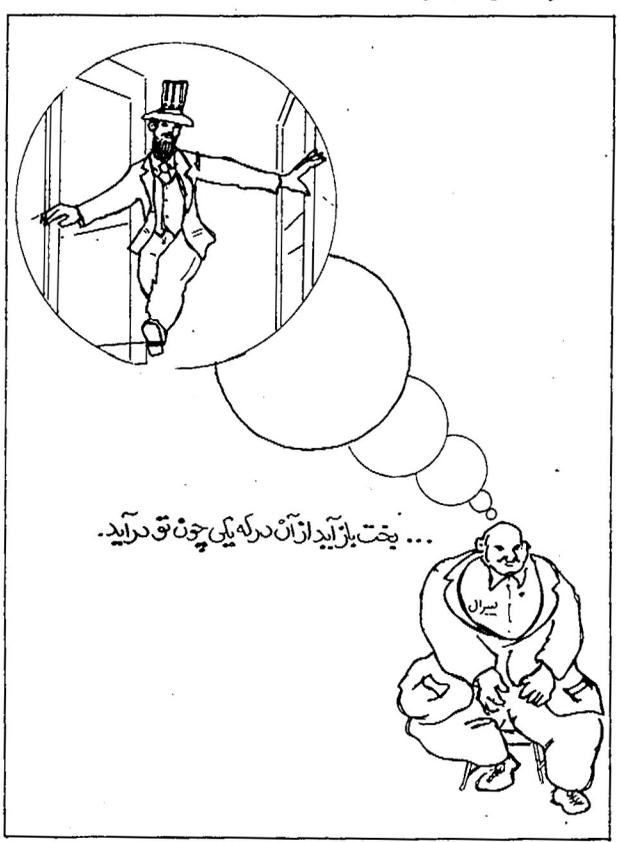
های لیبرال ها را نقل نمی کند، که آن ها را زیر ضربه قرار دهد، اگر "بی بی سی" چنین روشی داشت، بایستی مقالات نامه "مردم"، ارگان مرکزی حزب توده ایران را، کمی شک بزرگترین دشمن ایرانی خود می دادند، پخش می کرد. "بی بی سی" مقالات "میزان" را برای شنوندگان خود پخش نمی کند که بر لیبرال ها صدمه بزند، بلکه کاری را انجام می دهد که لیبرال ها از صدای جمهوری اسلامی ایران توقع دارند و توقع شان برآورده نمی شود.

این که "بی بی سی" از میان این همه گفته ها و نوشته ها، که در مطبوعات و رادیو و تلویزیون پخش می شود، به گفته ها و نوشته های لیبرال ها این همه توجه و دقت می کند، آن ها را لاجپین می کند و هر شب در برنامه های زهرآلود خود به خورد شنوندگان ایرانی می دهد، برای آن است که بین "بی بی سی" و لیبرال ها، شخصیت فکری وجود دارد. می گویند "بهمن بگو دوست کیست، تا بگویم خودت کیستی".

اما امپریالیسم بریتانیا و "بی بی سی" که سخنگوی فریبکار و دروغ پرداز آن است، در چشم مردم ایران چنان رسوا است که لیبرال ها نمی توانند هم صدایش را با خودشان به هیچ عنوان توجیه و تبرئه کنند و بناچار می خواهند مردم را فریب دهند که "بی بی سی" با نقل سخنان ما خواستماست سخنگویان صدیق و امتحان داده را خاموش کند و با حاکم ساختن جو اختناق، امر به معروف و نهی از منکر را تعطیل کند.

آقایان لیبرال ها نعل وارونه می زنند که سیاست ضد مردمی و سازشکارانه خود را توجیه کنند. اما خلق ایران این سیاست را محکوم کرده است و تاریخ لیبرال ها را، اگر سرمایه داری، نظامی که لیبرال ها در آرزوی حفظ آن هستند، می توانست در ایران باقی بماند، با ۷۰۰ هزار سرنیزه شاه و پشتیبانی بی دریغ امپریالیست های آمریکایی و انگلیسی باقی می ماند.

تازمانی که مردم انقلابی ایران در صحنه هستند و خط ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی را راهنمای خود قرار می دهند، حکومت "میانرو" و "معتدل" لیبرال ها، که تمام رسانه های گروهی غرب و پیش از همه "بی بی سی" در باره آن تبلیغ می کنند، هرگز وجود خارجی نخواهد یافت. در این واقعیت تردیدی نباید داشت.



در این مرحله از انقلاب ایران نیز همان نقش تبلیغ و سازماندهی به سود لیبرال ها را ایفا می کند بی بی سی. "حقه های تبلیغاتی" بی بی سی کار آسانی نیست. نه تنها مردم عادی، بلکه حتی روشنفکرانی که به روز سیاست کشور و جهان وارد نشاندن به سادگی در دام تبلیغات "بی بی سی" می افتند. باید اعتراف کرد که در بین رادیوهای امپریالیستی، که برای ایران برنامه دارند، هیچ یک چون "بی بی سی" نمی تواند سود امپریالیسم (وسی شک به زبان انقلاب ایران) جوسازی کند. تجربه مستند استعمار بریتانیا در شرق و روابط گسترده ای که با جوامع شرقی و بخصوص با کشورهای مسلمان نشین طی دو دهه سال اخیر داشته، در شناخت این جوامع و نقاط ضعف و قوت آن ها تاثیر مهمی به جای گذاشته است. امپریالیسم بریتانیا این شناخت را چون چراغی در دست دزد برای بردن گزیده ترین کالاها و ربودن قلب های پاک به کار می برد.

تاکنیک "بی بی سی" در مرحله کنونی انقلاب، گرد آوردن سیاه برای لیبرال ها است. بعید نیست که اگر این سیاه - به گمان امپریالیست ها - آماده شد، فرمان حمله را نیز مانند گذشته باز "بی بی سی" صادر کند. "بی بی سی" سیاست مشخصی را، که رهس آن در وزارت امور خارجه سازمان های اطلاعاتی بریتانیا تنظیم می شود، تبلیغ می کند. این سیاست دارای سمت معین است و "بی بی سی" تنها پرده فریب برای ناآگاهان سیاسی است. چون این سمت در حال حاضر سمت تأیید و پشتیبانی از لیبرال ها برای ایجاد یک حکومت "میانرو" در ایران است، برنامه ها و تفسیرها و اخبار "بی بی سی" نیز در جهت نیل به این هدف تنظیم می شود. "بی بی سی"، برخلاف نوشته روزنامه "میزان"، گفته ها و نوشته

جمهوری اسلامی ایران، مبارزه بر ضد امپریالیسم، به سرکردگی امریکاست. خطوط اساسی سیاست خارجی ما باید چنان تدوین شوند که برای مناسبتوار باشند. و نیز بطور کلی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در برقراری

بر قرار یاد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

کارگران محله دباغی تهران: مایحتاج اولیه زندگی را هم نداریم

محله فقیرنشین دباغی در ۳۰۰ متری جنوب شرقی میدان شوش، یکی از محله های معروم کشور ما و یکی از میراث های شوم رژیم منحوس پهلوی است.

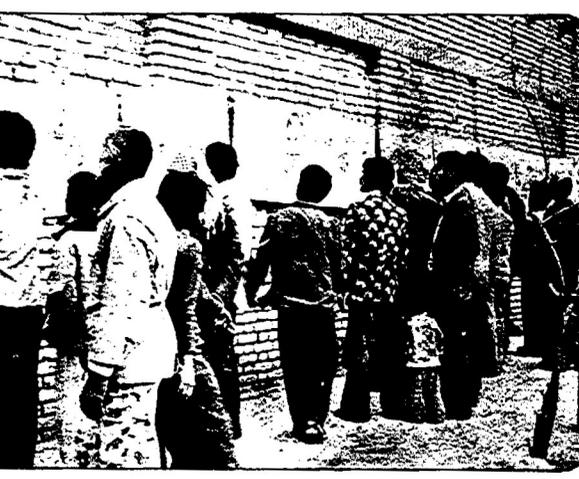
ساکنین این محله، که بالغ بر ۱۵۰ خانوارند، بیشتر متشکل از روستائیان هستند که به دنبال سیاست های ضد مردمی رژیم گذشته، از روستاهای اطراف برای یافتن «موتوشختی» به تهران رهسپار شده اند، اما محرومیتها در اینجا بر سرشان آوار شده است. محل سکونت اهالی دباغی دخمه های تنگ و تاریکی است به مساحت ۵ یا ۶ متر، که به طور متوسط هفت در آن زندگی می کنند. محله فاقد آب لوله کشی است و آب مورد نیاز ساکنان آن، از شیر آبی که در نزدیکی محله قرار دارد، تامین میشود. اغلب زحمتکاران دباغی کارگران کوره های آجرری اطراف تهران



کارگران قهرمان ایران نباید در این بیقولها زندگی کنند

یا دست فروشان خرده پا هستند. گاه دیده میشود که فقر و بی چیزی آنچنان برگستره این محله پنجه افکنده است که حتی سالخوردگان نیز مجبورند برای گذران زندگی طاقت فرسایش، پایهای جوانان کار کنند. متأسفانه بیش از نیمی از بچه های محله دباغی به دلایلی مانند نداشتن شناسنامه و همچنین بردوش کشیدن گوشه ای از خرج کمر شکن خانواده، به ناچار از تحصیل محروم شده اند. با هر کدامشان که حرف می زنی، درد دل زیاد دارند، اما همه در شان یکی است و در یک جبه مشترکند: نداشتن مایحتاج اولیه زندگی. ما از مقامات مسئول مصرانه می طلبیم که هر چه زودتر بارسیدگی به وضع زندگی این زحمتکاران، آنها را بیش از پیش به انقلاب و دستاوردهای آن امیدوار سازند.

نمایشگاه توطئه های امپریالیسم آمریکا در بهمان



از طرف سازمان جوانان توده ایران در بهمان، نمایشگاه عکسی همراه با شعر و مقاله تحت عنوان «صحنه های از جنگ عادلانه دلاوران جمهوری اسلامی ایران»، به مدت دو روز، در این شهر برگزار شد. در این نمایشگاه عکسهای از شهدای جنگ، صحنه های از جنایات تجاوزگران سمدای و شرح شهادت رفقای توده ای، همراه با عکس آنها به نمایش گذاشته شده بود. همچنین این نمایشگاه حاوی مطالبی از توطئه های ششگانه امپریالیسم آمریکا، اظهار نظرهای رهبران و مقامات پسرچسته مملکتی و کشورهای دوست مثل کوبا، سوریه، الجزایر، جمهوری دمکراتیک خلق کرم، لیبی و جمهوری دمکراتیک خلق یتن بود. این نمایشگاه که به مدت دوازده طول کشید، مورد استقبال اهالی قرار گرفت.

مناسبات بادبگر کشورها، باید مبتنی باشد بر: احترام بی خدشه مقابل به تمامیت ارضی، به حق حاکمیت و استقلال، برابری کامل حقوق، عدم مداخله متقابل در امور داخلی و سود متبلاعا دلان.

بسیار از صفحه ۳ از زیر این نفوذ کمک شده باشد و البته، ضمناً نیازمندی جمهوری اسلامی ایران نیز در مورد معینی برآورده شود. بطور کلی مبنای سیاست خارجی

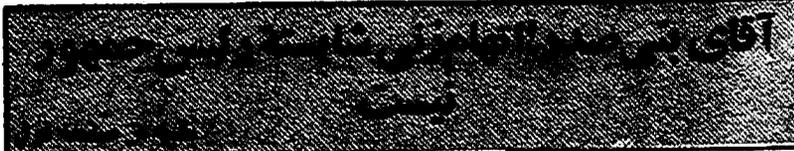
بنیاید، مردم را به نیروی شگفت خود در استقامت در برابر طولته‌ها امیدوار سازد، و بانکچه برتوان زنده‌گی، ایثار، ایمان و فداکاری این مردم، که منتهای آنهمه بیروزیها و ستاوردهایورده است، آیند درخشان این سرزمین و این مردم را امری محتوم بشمارد. اما متأسفانه رئیس‌جمهور به تبلیغ همان نظریاتی پرداخت که نویسندگان روزنامه «انقلاب اسلامی» بیش از این و تا هم‌اکنون در راه تبلیغ آن قلم‌بسیار زده‌اند و خوشبختانه رامیجانی نبرده‌اند.

سخنان آقای بنی‌سود، مانند محتوای برخی مقالات روزنامه «انقلاب اسلامی»، تقابل دوخط و دو موضع است که چون امام خمینی دولتمردان را از رویارویی و اختلاف بر حذر داشته‌اند، آقای بنی‌سود مطالب خود را خطاب به ما گفته تا «آنگاه» بنویسند، به ندی گفت، تا در گوشه‌گردا ما این «تدبیر» آقای رئیس‌جمهور کاری از پیش نرود و همه میدانند که دعوا، دعوی دو خط و دو موضع است، یکی خط امام و مسلمانان مبارز بیرو این خط، و دیگری خطی که در برابر خط امام قطعاً کرده، اما هنوز جرات آنرا نیافته است که برای انتقاد جلوه دهند و در مسائل مهم انقلاب اعلام کند، از اینرو نارسائیا، اشتباهات، نقائص، کمبودها و یسری گرایشهای انحصارطلبانه و قشری را زیر ذمعه‌ی نهاده، پوشش مواضع نادرست خود قرار داده و فریاد فقدان «آزادی» و ظهور «استبداد» سر داده است.

در جریان نبرد میان خط خدا مریالیستی و خطی امام خمینی و این خط نوظهور لیبرالی است که حزب توده ایران، به «کتاب» پشتیبانی از خط «امام خمینی» به «فلسفه ایدئولوژی» شتم شده است، تا هم با این اتهام، حزب ما را دستخوری برای انتقاد جلوه دهند و هم مسلمانان مبارز بیرو خط امام راه که به تبع از خواست توده‌های محروم و رهنمودهای امام خمینی، خواستار تمیق محتوای خدا مریالیستی و خطی انقلاب هستند، تحت تاثیر ایدئولوژی حزب ما قلع‌دا نمایند و آنرا مجبور به تیری جوشی و عقب‌نشینی از مواضع درست خود، کنند. «فلسفه ایدئولوژی» اترا لیبرالی‌های رونی است، که متأسفانه در سالگرد انقلاب، از زبان رئیس‌جمهور تکرار میشود.

همه مردم ایران میدانند که حزب توده ایران، طی چهار سال موجودیت خود، سرسخت‌ترین و آشنایندترین دشمن امام بنی‌سود، غدار، یسرکردگی آمریکایی، جبهانخواه بوده است. حزب توده ایران همواره بخاطر استقلال و آزادی این مرز و بوم در برابر امریالیسم و مزدوران داخلی آن در سنگر زهرویکار ایستاده، و هریرغم همه فشارها، سنگر خالی نکرده است. این نیز روشن است که مبارزات درخشان حزب طبقات و اقشار محروم مبین‌ماست، طی این چهار سال ما همواره اعلام داشته‌ایم که هرگاه سبب و هردولتی که در جهت تحقق استقلال و آزادی و بهبود شرایط زندگی مردم زحمتکشان ما عمل کند، ما از آن نظام و از آن دولت پشتیبانی خواهیم کرد. بنابراین سببانه، و کوهی نوشته‌ای که در این راستا منتشر کرده‌ایم، پشتیبانی ما از خط خدا مریالیستی و مردمی امام خمینی امری است طبیعی که برخاسته از سرشت استقلال‌طلبانه و آزادخواهانه و مردمی حزب‌ماست. و اما این طبع طبیعی است که هرگاه سیاسی در جامعه طبقاتی ما، که بخواد و جرات کند در برابر منافع طبقات استثمارگر و طرفدار هیروندی با امریالیسم‌پایند و از منافع مردم مستضعف دفاع کند، خواه‌ناخواه چنان انواع اتهامات ازسوی طبقات استثمارطلب بر سرش فرود خواهد آمد، که در این شرایط و در این دوران، این چنان چنان «فلسفه ایدئولوژی» است، که در دست لیبرالی‌های رونی بر فراز سر حزب ما و مسلمانان مبارز بیرو خط امام نگاه‌داشته شده است. بنابراین، هم حمایت سببکران این اتهام روشن است و همدلیل‌توسل به چنین اتهامی، متأسفانه است که رئیس‌جمهور کشور در یک خطابه رسمی، از این چنان علیه حزب ما و نیز مسلمانان مبارز بیرو خط امام استفاده کرده است.

در سخنان آقای بنی‌سود بنیاسبت دومین سالگرد انقلاب، ملند همیشه بحث بر سر ظهور «استبداد» است، آنچه در شرایطی که حداد باید بخاطر خط سلطه مجدد امریالیسم، یسرکردگی آمریکا باشد، آقای رئیس‌جمهور ما را به «تبلیغ استبداد حزبی و طبقاتی» متواذ کرده است. شما که «دیروز» تیری بودید و در آجیا توری می‌خوردید، شما دیگر چرا از آزادی می - گریزید «بهاره» شما فکر نمی‌کنید اینکهوراک



آقای بنی‌سود

کوری درست میکند برای عدای «فلسفه» شما افلا به خودتان رحم کنید. مقابله با لحن ناشایست رئیس‌جمهور در شان حزب ما نیست که بیوسته با منطق و اصولیت، بسا مخالفان سیاسی و ایدئولوژیک خود برخورد کرده است. ما هرگز به حریمه بد زبانی و دشمنان و اترا متوسل نمی‌شویم، زیرا این حریمه، حریمه کسانی است که منطبق ضمیمه دارند و ضعف خود را با نامز و اترا می‌پوشانند. تندب آورانکه، آقای رئیس‌جمهور که مدعی دمنویست و «اخلاق اسلامی» است، در یک خطابه رسمی، با لحنی چنین توهین‌آمیز با ما سخن میگوید و تازه مدعی است که این حزب توده ایران بوده‌است که «فلسفه» نامز را راجعاً از ایران در این کشور رواج داده است!

ما قصد پاداش به «کلوزخ‌انداز» را نداریم، ولی درباره محتوای اترا ی ایشان، که گویا ما تبلیغ استبداد میکنیم و از آزادی گریزانیم، نمیتوانیم ساکت‌مانیم، بی‌بده بنظر میرسد که آقای بنی‌سود نداند که نخستین سازمان سیاسی که در ایران علیه قانسیسم و دیکتاتوری و سلطنت مطلقه به مبارزه می‌مان دست زد، حزب توده ایران بود و آغاز آن زمانی است که آقای بنی‌سود دوران کودکی خود را میگذراند. اما ایشان که خود را اهل مطالعه میدانند، باید قبل از هر چیزی به تاریخ مملکت کشور خود آشنا باشد و آنچه نه از روی نوشته‌های روزنامه شش‌شنبه و مجله «دشمنان‌جمهور» و اتهامات ملتین دروغساز میسب و مسواکه، بلکه تاریخ واقعی را بانکچه برواقیات مرور کند.

در تاریخ پس از شهریور ۱۳۲۰، حزب توده ایران نخستین و یگانه سازمان مدافع «آزادی» و مخالف سرسخت «استبداد» بوده است و در این‌بینکاره گروهی از برترین مبارزان خود را از دست داده است. از فقدان آزادی و سلطه استبداد، هیچ حزب و سازمان گروه سیاسی مانند حزب توده ایران بلندنیده است. اما اختلاف ما و آقای رئیس‌جمهور در تریف «آزادی» است و اینکه آزادی برای که، کدام طبقه و بخاطر کدام هدف، شما آزادی را در چارچوب آزادی گفتن و نوشتن محصور میکنید و سایر وجوه آزادی راه که تأمین حقوق اقتصادی زحمتکشان است به فراموشی می‌سپارید؛ و ما آزادی‌های سیاسی را فقط جزئی از حقوق دموکراتیک مردم میدانیم که بدون تأمین کل حقوق دموکراتیک، یعنی حق کار، حق سبک، حق مواد آوزی و تحصیل و حق برخورداری از یک زندگی شایسته انسانی برای مردم زحمتکشان، آزادی‌های سیاسی چیزی جز در خدمت استثمارگران نیست و همان آزادی بی‌وج و تهی از محتوای است که مجموع سرمایه‌داری غریب بدان «افتخار» میکنند و آنرا پوشش غارت انصارات از دست‌نیز زحمتکشان قرار داده‌اند. ما آزادی را بنیامی آزادی غارت، آزادی استثمار، آزادی مالکیت خصوصی برحد و حصر برای یک طبقه ممتاز نیامدیم و از آزادی مفهوم انسانی و عادلانه آنرا در نظر داریم و برای تأمین چنین آزادی است که مبارزه می -

کنیم. آقای بنی‌سود پشتیبانی حزب توده ایران را از خط خدا مریالیستی و مردمی امام خمینی و مسلمانان انقلابی بیرو خط امام، به «تنبیه خوراک کوریک برای عدلی» تعبیر میکند. ما بنسند عدم تأیید هیئتگی برخی گرایشهای انحصارطلبانه و قشری، هرگز مبارزه مسلمانان انقلابی بیرو خط امام را علیه منافع طبقاتی سرمایه‌داران وابسته و حلقی امتیازات نامشروع این طبقه چپاولی «استبداد» نمی‌نامیم. ما به سبب «مالکیت از ثوابالکار» کارخانه‌داران بزرگ و کوتاه کردن دست بازارگان عمده و متحرکان و دلان از تجارت خارجی عنوان «استبداد» نمی‌دهیم. ما سرکوب خدا انقلاب را در هر ایامی و یا هر قناب «استبداد» نمی‌نامیم. هر گامی که در راه تأمین حقوق زحمتکشان و حفظ دستاوردهای انقلاب برداشته شود، ناگزیر در جهت محبوس‌ساختن منافع طبقات متنازه است، و ما از آن سببیلنه پشتیبانی میکنیم.

آقای بنی‌سود مدعی است که: «آقای ریگان در کلر قلمرو دیکتاتوری در کشور ملست. و ما میکونیم که ریگان در کار توطئه علیه خط خدا مریالیستی و مردمی امام خمینی و مسلمانان انقلابی بیرو خط امام، به «تنبیه خوراک کوریک برای عدلی» تعبیر میکند. ما بنسند عدم تأیید هیئتگی برخی گرایشهای انحصارطلبانه و قشری، هرگز مبارزه مسلمانان انقلابی بیرو خط امام را علیه منافع طبقاتی سرمایه‌داران وابسته و حلقی امتیازات نامشروع این طبقه چپاولی «استبداد» نمی‌نامیم. ما به سبب «مالکیت از ثوابالکار» کارخانه‌داران بزرگ و کوتاه کردن دست بازارگان عمده و متحرکان و دلان از تجارت خارجی عنوان «استبداد» نمی‌دهیم. ما سرکوب خدا انقلاب را در هر ایامی و یا هر قناب «استبداد» نمی‌نامیم. هر گامی که در راه تأمین حقوق زحمتکشان و حفظ دستاوردهای انقلاب برداشته شود، ناگزیر در جهت محبوس‌ساختن منافع طبقات متنازه است، و ما از آن سببیلنه پشتیبانی میکنیم.

آقای بنی‌سود مدعی است که: «آقای ریگان در کلر قلمرو دیکتاتوری در کشور ملست. و ما میکونیم که ریگان در کار توطئه علیه

انقلاب و نظام جمهوری اسلامی و استقرار سلطه مجدد امریالیسم آمریکا در ایران است. باید مردم را متوجه این خطر جدی کرد و آنانرا برای مقابله با آن آماده نمود. امری که امام خمینی در هر بیان و برخورد و دیدار خود با هر گروه و قشر و جمیعت، بر آن تکیه دارند تا مردم از خطر اصلی غافل نمانند. هدف امریالیسم آمریکا استقرار دیکتاتوری نیست، دیکتاتوری خود زائیده سلطه امریالیسم است. اگر خطری اصلی دفع شود، یعنی اگر امریالیسم را تمام کمال از سرزمین خود برانیم و مواضع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آنرا منهدم سازیم و استقلال واقعی خود را بیست آزادی واقعی مردم نیز تأمین‌خواهد شد. هر گنگاه خود به بیان صریح میگوید که خواستار تیری کاری «متدرواه» روی کار آمدن یک دولت دم‌مطلد است، یعنی دولتی که با امریالیسم آمریکا کنار بیاید و نخست استقلال ما را از بین ببرد و سپس آزادی‌ما را پایمال کند.

آقای بنی‌سود از زبان یک تاریخ‌شناس آمریکائی بنام «ریچارد» میخواهد به مردم ما تلقین کند که هر انقلابی به استبداد می‌انجامد و شاهد تاریخی، «انقلاب مشروطه» انقلاب نفت، انقلاب کبیر فرانسه، انقلاب (روسیه) است، که همه آنها به استبداد انجمنه و بنا بر این «باید قبول کرد که انقلاب‌ها به استبداد خواهد انجامید»

اگر بنشانی این استدلال تاریخ‌شناس آمریکائی که معلوم نیست چرا مهمل گوش‌های او این چنین توجیه آقای بنی‌سود را جلب کرده است، برویوه باید پذیریم که هر انقلاب در واقع قاصدهای است بنام «استبداد» و بنا بر این، بقول آن لیبرال‌سرشناس، باید مسهمایر به نهمای از انقلاب کردن پشیمان بود! پس امریالیسم و طبقات مرتجع و وابسته، که با تمام نیروی سرتیزه خود جلوی انقلابی‌های خلقهای محروم را سد می‌کنند، چیزی جز دشمنی مردم نمی‌خواهند و هدفشان فقط جلوگیری از استقرار «استبداد» است!

آقای بنی‌سود در پی جلب توجه مردم به استبداد دوران پس از انقلاب مشروطه، و استبداد پس از کودتای ۲۸ مرداد میگوید:

دید شما زنان و مردان می‌آورم که از انقلاب مشروطه ۵ امروز، مستی‌ان سیاست روس سرخوش انقلابی ما را با ناپولی و شکست روبرو کرده‌اند. انقلاب مشروطه را آنها به نابودی کشیدند، انقلاب چنگل را آنها به نابودی کشیدند، انقلاب نفت را آنها به شکست انجامیدند و امروز در کلر الله ایدئولوژی هستند تا این انقلاب را هم به استبداد تعویل بدهند. به عقیده آقای رئیس‌جمهور، نام امریالیسم انگلیس در نابودی ستاوردهای انقلاب مشروطه و سایر جنبشهای مردمی مبین ما نقش داشته و نه امریالیسم آمریکا که شکست جنبش ملی‌گرن نفت و کودتای ۲۸ مرداد که می‌آمد آن استقرار استبداد سلطنت محمدرضا بود. از نظر آقای بنی‌سود اینست «استبداد روس» بوده‌اند که از آغاز تا پایان انقلاب را به شکست کشانند! ما حیرت‌انگیز و متأسفانه آوریست که آقای رئیس‌جمهور این چنین امریالیسم، دشمن اصلی خلق را از زیر شرمه خارج میکند و افکار عمومی راجعاً توجیه به این واقع‌ترین و خطرناک‌ترین دشمن استقلال و آزادی و قومی ایران، متوجه دولت دروس، می‌سازد که ۲۳ سال قریب که دیگر در جهان وجود ندارد و به برکت بیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی که در دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، برجای آن‌نشسته است، و دستیاران دروس، اگر در زمان انقلاب مشروطه دربار خلق قاجار و امیرانین و جیره‌خواران آن بوده‌اند، امروز دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، دستیاران جز مردم مستضعف جهان ندارد، که خود را مرهون کمکیا، پشتیبانی و هیئتگی بر شایسته این انقلاب بیروز میدانند.

امام خمینی در پیام خود بنیاسبت سالگرد انقلاب با تکیه بر خرد انقلابی خود میگوید:

هر روز قلمی آقای که علیه جمهوری اسلامی ایران متحد شده‌اند یا واسطه و بدون واسطه در رابطه با آمریکا می‌باشند و آقای بنی‌سود در سخنان خود مدعی میشود که:

هر گزاشی به استبداد مستیماً رابطه با ابر قدرت دارد. خطر بزرگ که از زبان امام خمینی، توطئه متحد دشمنان جمهوری اسلامی در ایران و منطقه به رهبری آمریکاست، بعینه آقای بنی‌سود می‌بیند؛ آنچه مهم است خطر موهومی بنام «استبداد» است که در رابطه با «ابر قدرت» است و یا آنچه به مجموعه بیانات آقای بنی‌سود، «ابر قدرت» است، یعنی «ابر قدرت روس» که انقلاب‌های ایران را به کسک دستیاران خود به شکست کشانده است!

آقای بنی‌سود میگوید:

دعاب مصلحت از حساب کسانی که از داخل و خارج کشور تحت نام او بر ضد انقلاب توطئه می‌چینند، جلست. در واقع هم حساب دکتر مصدق که یک رجل ملی و خست‌کنار مردم خویش بود، از حساب هواداران کزونی او جلست. اما آقای بنی‌سود از «کسانی» صحبت میکند که در داخل و خارج کشور بنام دکتر مصدق علیه انقلاب ما توطئه میکنند. نام این کسان در خارج از کشور بر همگان معلوم است: خائینی چون بنی‌سود، زریه، مقدم، افراهای از این قناتند. اما آقای بنی‌سود از کسانی که در داخل کشور بنام دکتر مصدق علیه انقلاب می‌چینند، صحبت نمی‌نماید. چرا آقای بنی‌سود آنانرا - این عناصر خندانترین راه با ناپوشان اتنا نمی‌کند تا مردم دشمنان انقلاب خود را بشناسند!

آقای بنی‌سود این دشمنان خطرناک انقلاب را در سایه می‌گذارد و می‌کند و حزب توده ایران راه که «کناهی» جز پشتیبانی از خط خدا مریالیستی و خلقی امام خمینی ندارد، آماج دشمنان و اترا قرار میدهد و دستخوری برای انقلاب می‌شمارد.

آقای بنی‌سود ریگان هم بهین تریه حزب توده ایران راه، خطری بزرگتر، میخواهد این حلاوی را چگونه توجیه میکند!

امام خمینی میگوید:

صمی کید روجه ملت را قوت نمائید. و آقای بنی‌سود باین عنوان که بدترین چیز ایست که مردم از واقعیت امور کشور خویش اطلاع نداشته باشند و در نتیجه نسبت به آنچه در حول و حوش خویش می‌ریند، دائم نگران شوند، تصویرهای ناپسندناهی اقتصادی کشور، از بیکاری و گزانی و تورم، از کاهش تولید صنعتی و کشاورزی و کمبود ذخایر انرژی برمرد ارائه میدهد.

آقای بنی‌سود! آگاهی مردم از واقعیت کشور فقط اطلاع از درسد نخت گزانی و مردم و یا کاهش محصولات داخلی نیست. بیش از آن مردم حق دارند بدانند که چه کسانی بر توطئه طیس سروش نهادند و این شبکه کودتای ۱۸ تیر تا نفر آخر کشف نشده است! سفارت تاجران از آمریکا کجا رفته و اکنون چه خطراتی از کاینه امریالیسم آمریکا و ایادیش انقلاب ایران را تهدید میکند و طبقه رئیس‌جمهور است که این مسائل را بر می‌گیری کند، معاصی کف نشده را دنبال کند و به مردم گزارش دهد تا مردم از «کجی نسبت به آنچه در حول و حوش خویش می‌بینند، رهائی یابند.

در پایان لازم میدانیم توجه رئیس‌جمهور را به گفته‌ای از خود ایشان جلب کنیم که:

«آزادی ایست که گروهی تنها به قلمی نرود و واقعی برنگردند» و شما آقای رئیس‌جمهور، با استفاده از رسانه‌های گروهی، که در اختیاران است و اخترازی نسبت به حزب توده ایران به کمک این رسانه‌ها، متأسفانه تنها به قلمی رفته‌اید و واقعی برنگشته‌اید و این آزادی نیست! ما حتی قبل از آنکه شما به ریاست جمهوری انتخاب شوید، شما پیشنهاد دیمت آزاده دادیم، تا شما را از اشتباه در ارزیابی مملکت حزب خود بیرون آوریم، اگر بواقع داشته‌ایم باشد، اما شما پیشنهاد ما را نادیده گرفتید. امروز بار دیگر پیشنهاد خود را تکرار می‌کنیم، زیرا خود را توانا به دفاع چنانچه از مواضع خود میدانیم و از دیمت آزاده پایچسب و همتایم یک نفراریم.

دنیایان یادآور می‌شویم که تکرار اتهامات و اکاذیب سازمانها و رسانه‌های خبری امریالیستی و کارگزاران داخلی امریالیسم درباره حزب توده ایران، که هم مصلح دارد و هم «اخلاق» و هم متکی به ایدئولوژی علمی انقلابی است، هیچ‌نشاندهای از دمنویست و «اخلاق اسلامی» با خود ندارد.

کمیته مالی به حزب توده ایران

تک وظیفه انشالی است!

علاقتمندان می‌توانند کمک مالی خود را بحساب بانک به نام تقی کریمی و همسرش به شماره ۳۳۳۲ شعبه ۱۸ بانک ملی ایران (شعبه دهخدا)، خیابان شهید دکتر حسین قطلمی پیراوارزند

۱۰۰۰ ریال	۱۰۰۰۰ ریال	۱۰۰۰۰۰ ریال	۱۰۰۰۰۰ ریال
-----------	------------	-------------	-------------

امیدواریم انقلاب هر چه زودتر قکرما بیفتد و مشکلات را حل کند. ما از مسئولین دولت در کرمستان مسرانه می‌طلبیم که هر چه زودتر، یارسیدی که به کمبودها و خواسته‌های بحق ساکنان محله عباس‌آباد و حل مشکلات محله آنها را بیانشان اهل محله می‌گویند: هما مردانیم ایس مشکلات میراث رژیم شاه است، اما

به مشکلات عباس‌آباد سندج رسیدگی کنید!

حمله تیرتین‌میلیس آباد که در کنار شهر سندج، بر روی نوح‌های خاک‌ی واقع شده، از هر نوع امکانات رفاهی محروم است. این محله که بر سر دامنه‌ای همدان، قرار دارد، گرچه نسبت به دیگر مناطق تیرتین، از قبیل گزنی، گزنی، نظام‌آباد (کوردآباد) و سورا آباد وضع بهتری دارد اما هنوز از حداقل امکانات برای زندگی برخوردار نیست. اکثریت اهالی محله آباد روستاییان هستند که به دنبال اصلاحات ارضی شاه ملوم، به امید زندگی بهتری به این مناطق روی آورده‌اند، اما گرفتار نکت و ستم بیشتری شدند. این محله فاقد هر نوع آب لوله‌کشی و امکانات مناسب برای رفت‌وآمد است و همچنین برای همه اهالی تنها یک حمام عمومی وجود دارد. با اینحال اهالی محله می‌گویند: هما مردانیم ایس مشکلات میراث رژیم شاه است، اما

دگرگونی‌های ظاهری نیز در محنة سیاست اسرائیل پدید آمده است.

پیدایش تئوری ویدئوگرافی

بحران همه‌جانبه‌ای که اسرائیل را در بر گرفته است، جامعه اسرائیل را دربر گرفته است. اوضاع داخلی اسرائیل به‌خوات میگراید، قلب‌گرایان طبقات، ژرفی می‌یابد و نبردهای طبقاتی بیش از پیش شدت می‌گیرد. امپریالیسم ایالات متحده و محافل صهیونیستی آمریکایی هرچه بیشتر به پشتیبانی از رژیم اسرائیل می‌شبانند. در این زمینه، تبلیغات ایدئولوژیک صهیونیسم هرچه بیشتر اهمیت پیدا می‌کند و چارچوب محافل حاکمه، در اقلای دروغ دیرینه «خطر نابودی» اسرائیل، بویژه به یهودیان این کشور را تسکین می‌دهند.

اینکه اقلیت رسمی، در درجه نخست «حزب کارگر» و «مابام» هم برای برطرف کردن بحران همه‌جانبه کنونی، از ارائه هرگونه ردیافتی عاجزند، شکست‌انگیز نیست، چه آن‌ها در مسائل بنیادی، از جمله ادغام سیاست اشتغالگری، ایجاد آبادیهای یهودی‌نشین، خودداری از مذاکره دربارۀ مسئله فلسطین و تشکیل یک دولت مستقل فلسطینی و سرکوب اعراب مقیم اسرائیل، یا دولت «لیکونه» هم‌آرا هستند.

از سوی دیگر، رای اشداد ۲۸ آبان به دولت یگین، در «کشتت» که تنها با اکثریت سه‌رأی حاصل شد، و بحران داخلی کابینه اسرائیل، که چندی پیش دولت را مجبور کرد تا انتخابات آینده را بجلو اندازد، این امکان را پدید آورده است که، با توجه به بحران عمومی کنونی، برخی

بمناسبت برگزاری کنگره نوزدهم «حزب کمونیست اسرائیل» (۲۵ بهمن ۱۳۵۹)

حزب کمونیست اسرائیل پشتیبان انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران است

داند. این حزب، از جمله در فراکسیون «جنبه دمکراتیک برای صلح و برابری» در «کشتت» (این فراکسیون از پنج نماینده تشکیل می‌شود، که سه تن آنها از حزب کمونیست اسرائیل هستند و دو تن دیگر نامزدهای «جنبش برابری» و «جنبش دمکراتیک مستقل» بوده‌اند). آرایزحمتکشان را یکپوش مردم می‌رساند و سیاست ضد کارگری دولت حاکم مبارزه می‌کند.

برنامه صلح حزب کمونیست اسرائیل

حزب کمونیست اسرائیل از برنامه‌های روشن و واقع‌بینانه برای استقرار صلح برخوردار است. این برنامه فراخوانی نیروهای اسرائیلی را از همه مناطق عربی، که در سال ۱۳۴۶ به تصرف اسرائیل درآمد، خواستار است. برنامه صلح حزب کمونیست اسرائیل، فزون‌تر از این، پیشبرد حقیقتین سرنوشته سکنه عرب فلسطین را بدست

دفاع پیگیر حزب کمونیست اسرائیل از زحمتکشان عرب

حزب کمونیست اسرائیل، حزب مشترک طبقه کارگر یهودیان و اعراب اسرائیل، دفاع پیگیر از منافع زحمتکشان اعراب اسرائیل را پیوسته در صدر برنامه‌های خود قرار داده و از اینرو در مناطق عرب‌نشین از وجهی‌های ویژه برخوردار است. این حزب در شورای شهرنازوات اکثریت را در اختیار دارد و سرپرستار نازوات عضو آنست. این واقعیت که «کنگره اعراب اسرائیل» که قرار بود به ابتکار «جنبش دمکراتیک برای صلح و برابری» و با شرکت نمایندگان یهودیان مرفی، در تاریخ ۱۵ آذرماه سال ۱۳۵۹ در نازوات برگزار کرده، از سوی یگین ممنوع اعلام شده، حاکی از پایه توده‌ای گسترده و عمیق است، که حزب کمونیست اسرائیل، در مناطق عرب‌نشین، از آن برخوردار است.

پیام شادباش حزب توده ایران به حزب کمونیست اسرائیل

کمیته مرکزی حزب توده ایران، در پیام به کمیته مرکزی حزب کمونیست اسرائیل، بمناسبت تشکیل کنگره نوزدهم حزب اسرائیل، از جمله، هسلگرای خود را از هیستکی حزب کمونیست اسرائیل با انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران و پشتیبانی آن از مبارزات مردم ما علیه سبیه‌های پردهی امپریالیسم ایالات متحده و عوامل آن در منطقه، ابراز داشت. در این پیام آمده است:

ما نیز، توده خود، هیستکی عمیق خود را با مبارز کمونیستی اسرائیلی در راه صلح پایدار در خاورمیانه و جهان دمکراسی و پیشرفت اجتماعی اعلام می‌کنیم و پیروزیهای کنگره نوزدهم حزب شما را در راستای پیشبرد این هدفهای والا خواستاریم.

حمایت سوریه و رومانی از تشنج زدائی و خلع سلاح

در پایان دیدار حافظ اسد رئیس‌جمهوری سوریه از رومانی و مذاکره با نیکلای چاوشسکو رهبر رومانی، بیانه مشترک از سوی این دو کشور منتشر شد. رهبران این دو کشور در این بیانه، ضمن ابراز تکرانی از افزایش تشنج در جهان، حمایت خود را از تشنج زدائی و خلع سلاح اعلام کردند.

رهبران سوریه و رومانی به اوضاع خاورمیانه اشاره کردند و یادآور شدند که حل‌وفصل اوضاع خاورمیانه تنها در صورت خروج نیروهای رژیم اسرائیل از سرزمین‌های اشغالی عرب، از جمله بیت‌المقدس، امکان‌پذیر است. سوریه و رومانی تأکید کردند که در هرگونه راه حل، باید حقوق انکارناپذیر خلق فلسطین، از جمله حق این خلق برای ایجاد یک کشور مستقل، برسمیت شناخته شود و سازمان آزادیبخش فلسطین بتواند تنها نماینده خلق فلسطین باشد. در هرگونه تصمیم‌گیری و مذاکره درباره فلسطین شرکت داشته باشد.

کمک سازمانهای جاسوسی غرب به عناصر ضدسوسیالیست لهستان

هشتمین پلنوم کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان در روز ۲۰ بهمن ۵۹ بریاست استانیلاوکایا، در ورشو گشایش یافت. در این پلنوم گزارش هیستمیسی درباره وظایف «حزب» در زمینه تأمین مستگیری سوسیالیستی اتحادیه‌های کارگری بررسی خواهد شد.

خبرگزاری لهستان گزارش می‌دهد که دادستانی لهستان رسیدگی به پرونده فعالیت‌های ضدحکومتی و ضدجمهوری‌باصلاح «کمیته دفاع» (دکوست) و متحدان آن آغاز کرده است. بازجوئی‌های کنونی نشان داده‌اند که این سازمان ایجاد ناآرامی و خرابکاری اقتصادی را جزء اهم فعالیت‌های خود قرار داده است. «خبرگزاری لهستان» می‌افزاید که این «کمیته» از سازمانهای جاسوسی غرب پول و تسهیلات فنی دریافت می‌دارد.

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی، شرکت کنیم



مقاومت اروپای غربی در مقابل نقشه‌های تشنج‌نژادانه ناتو

تورگرواوندلین، نخست‌وزیر سوئد، با استقرار جنگ‌افزارهای جدید هسته‌ای، از جمله موشکهای بالدار و سلاح نوترونی در اروپای غربی به مخالفت برخاست. وی در مصاحبه‌ای با روزنامه متکاران خارجی در استکهلم، گفت که استقرار سلاحهای نوترونی، در قاره اروپا باعث افزایش خطر بروز درگیری هسته‌ای خواهد شد. نقشه آمریکا در این مورد، تا بحال با مخالفت بسیاری از نمایندگان پارلمانها، شخصیت‌های سیاسی و مقامات رسمی آلمان غربی، هلند، ایتالیا و کشورهای دیگر، مواجه شده است. در دانمارک حدود ۶۵ هزار تن از مردم این کشور، زیر اعتراضیه کمیته ملی هواداران صلح در این کشور را علیه سیاست تجاوزکارانه پیمان ناتو، امضا کردند. مردم دانمارک خواهان مبارزه برای جلوگیری از استقرار سلاح موشکی هسته‌ای در اروپای غربی و احداث انبارهای پنتاگون در خاک دانمارک شده‌اند.

بیستمین اجلاس کشورهای غیرمتعهد بکار خود ادامه میدهد: اعتراض علیه آمریکا و چین

در دهلنو، بمناسبت بیستمین سالگرد جنبش عدم‌تعهد، یک‌جلسه رسمی تشکیل شد. در این جلسه، روسای هیات‌های نمایندگانی اقیانوس و سازمان آزادیبخش فلسطین، سیاست آمریکا و اسرائیل را در آفریقا و خاور نزدیک مورد حمله قرار دادند و نمایندگان ویتنام و لائوس، مداخله یکن در امور داخلی کشورهای هندوچین را سرزنش کردند.

در این جلسه، گورتوالدهایم، دبیر کل سازمان ملل متحد، از سهم عظیم این جنبش در تحکیم مبانی صلح و امنیت بین‌المللی و مبارزه علیه استعمار و نژادپرستی، سخن گفت و گوئی‌دیروز، رهبر اتحاد شوروی نیز، خطاب به شرکت‌کنندگان در این جلسه، پیام شادباشی فرستاد.

در کفرانس کشورهای غیرمتعهد گفته شد: اتحاد شوروی کمک‌های با ارزشی در اختیار جنبش غیرمتعهدها قرار داده است

اجلاس وزیران خارجه کشورهای غیرمتعهد به کار خود در دهلنو ادامه می‌دهد. در این اجلاس، بسیاری از نمایندگان در سخنرانی‌های خود، در مورد ماهیت ضد امپریالیستی و ضد استعماری جنبش غیرمتعهدها تأکید کردند و خواستار تحکیم صفوف این جنبش بر اساس مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع شدند. وزیران خارجه جمهوری دمکراتیک خلق کره، قبرس و چند کشور دیگر، خطر فزاینده نیروهای امپریالیسم را برای جنبش غیرمتعهدها یادآور شدند. بسیاری از نمایندگان نیز از کمک و هیستکی جامعه کشورهای سوسیالیستی، و در رأس آن اتحاد شوروی، با این جنبش، ابراز سپاسگزاری کردند. وزیر امور خارجه جمهوری سوسیالیستی ویتنام گفت: «اتحاد شوروی همواره کمک‌های ذیقیمی در اختیار جنبش قرار داده است».

از سوی دیگر، پیام گوئی‌دیروز، به اجلاس با حسن استقبال روپرو شد. در این میان ناراسیم هارائو، وزیر خارجه هند، که به ریاست کنفرانس انتخاب شده است، گفت: «مبارزه برای صلح و خلع‌سلاح اهمیت اساسی دارد».

نقشه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارقده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۱۸ (دفتر نامه مردم) هنوز در اختیار نامه مردم نیست

NAMEH MARDOM
No. 443
14 February 1981

Price: West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Er.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts.
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه مردم، و همه مقامات دولتی و غیر دولتی می‌توانند به آدرس زیر با نامه مردم مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۴۱/۳۵۹۱ منطقه ۱۴ پستی تهران